

## در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب

# تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی ضرورت حیاتی دارد

قبل از آنکه بحث درباره طرح قانونی تشکیل جمعیتها و احزاب را آغاز کنیم، تذکر چند نکته را ضرور میدانیم: نخست آنکه پیدایش احزاب و سازمانهای سیاسی يك روند عینی در جریان رشد جامعه است، كه آنرا با تمایلات و خواستهای ذهنی-عصبی صورتی بیان و یا تدوین كردند نمیتوان متوقف كرد. اگر میتوان مثلا انقلابات را، كه يك روند عینی است، متوقف كرد، نمیتوان از پیدایش احزاب و سازمانهای سیاسی نیز جلوگیری كرد. در يك جامعه طبقاتی، احزاب و سازمانهای سیاسی، مولود خواستهای طبقاتی گروهها و اقشار و طبقات اجتماعی هستند كه این سازمانهای سیاسی را برای پیشبرد اهداف خود بوجود می آورند. اهداف طبقاتی و اقشار و گروهها نیز بر حسب مواضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنان در جامعه شكل میگیرد. پیدایش احزاب در جامعه، تا وقتی كه در آن طبقات، اقشار و گروههای اجتماعی وجود دارند، ناگزیر است. طبقات محروم، بخصوص به سازمانهای سیاسی یقه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶۱  
شبه ۱۶ اسفند ۱۳۵۹ مطابق با  
۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۱: ۱۵۰۰ ریال

## امام خمینی: زبانهای غیر متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می کنند و میخواهند روحانیت را و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ۵۹، در حضور گروهی از روحانیون كه از مجامعهای جنگ بودند، عدهای از سربازان منتظم خدمت سالهای ۵۰، ۵۱، ۵۲ و ۵۳ و ۵۷ نیز مسئولین تداركات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در سراسر كشور، سخنان مهمی ایراد كردند.  
امام خمینی در سخنان خود به شركت موثری روحانیون در امور سیاسی، اجتماعی و جنگی اشاره كردند و درباره توطئههایی كه برای جدا كردن روحانیت مبارز از سیاست در جریان بودم هست، هشدار دادند.

احقاق حق مظلوم را از ظالم می کنند و اگر دیکتاتوری معنیاش اینست كه در دادگاه اتمال صیبریها را از بین ببرند، این چیزی است كه اسلام كرده است و امری است كه با امر اسلام انجام میگیرد و اگر دیکتاتوری معنیاش اینست كه تحصیل به ملت چیزی را می خواهند بكنند، می خواهند یا قدرت ملت را آزار بدهند و مقاصد خودشان را انجام بدهند، این يك دروغ واضح است كه باید مردم از اشخاصی كه اینها را میگویند، بگیرند آنها را، و از شان بپرسند كه این كداميك است؟ و چه كرده است؟ و چه كار دیکتاتوری انجام داده است؟ تا بفهمند ریشه این مطلب از كجاست. امام خمینی افزودند: «آرایش مجلس ما يك دیکتاتور است و دارد دیکتاتوری می کند، یا مقامهای دیگری كه در كشور ما هستند، كداميك از آنها مشغول دیکتاتوری هستند؟ یا زبانهای غیر متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می کنند و می خواهند روحانیت را تضعیف کنند و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند.»

## « لایحه قصاص » و صله ناجور بر پیکر جامعه انقلابی ما

اخیرا دولت «لایحه قصاص» را برای بررسی به مجلس تقدم کرده است. بر آنكه قصد تحلیل و بررسی يك يك موادم این لایحه «مقدمه» را داشته باشیم، كه كاری است بر نمر، یادآور میشود كه لایحه مشتمل بر دویشت «قصاص نفس» و «قصاص عضو» است، كه در مورد اول به «جولید» حق داده میشود كه با اجازه «جولید مسلمان»، شخصا یا با تعیین وكيل، قاتل را به قتل برساند و در مورد دوم «مصدوم» با اجازه حاكم شرع، حق دارد همان جرح و یا نقص عضو را در جسم ضارب ایجاد كند.  
«لایحه قصاص» صرف نظر از آنكه زن را «نیمچه انسان» به حساب آورده و ارزش زندگی و شهادت بودن او را نصف ارزش زندگی و شهادت بودن مرد دانسته، و این خود برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی است، كه بر رفع تمییز و برابری کلیه افراد ملت در مقابل قانون تأکید دارد؛ صرف نظر از آنكه حقوق مرد و زن برابر است و در این مسلمان را نادیده گرفته، و این منافی با اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی است، كه بر حقوق بیرون ادیان غیر اسلامی سرایت دارد؛ صرف نظر از آنكه به پدر و جد پدری جواز قتل فرزند را میدهد و او را از مجازات قصاص معاف میدارد، هم در كل و هم در اجزاء خود، لایحه ایست متاخر یا هدف ارشاد و تربیت و

## لئونید برژنف: آنچه میتواند راهگشای جامعه بشری بسوی فردا باشد، كوشش در راه تحكیم صلح است و نه تلاش برای تهیه مقدمات جنگ

تهدیب اخلاقی انسانهای خامل و گمراه و مخالف با هدف سالم سازی جو جامعه، و بیخود نمی تواند به نیازهای جامعه متحول و انقلابی ما پاسخ گوید.  
جامعه بشری، در سیر تحول و تکامل خود بسوی مرحله ایلیت، برای حل مشکلات خود همواره شیوههای نوینی اندیشیده است. این شیوههای نو منطبق با مقتضیات زمان و مكان و سیر جامعه از ساده به پیچیده است. اگر روزی بشر با تیر كمان و سپر در برابر دشمن از خود دفاع میكرد، امروز با هواپیما و توپهای ضد هوایی از خود دفاع میكند. اگر روزی مسئله گرسنگی را با كشت گندم حل میكرد، امروزه از مادم غذایی برای رفع جوع در

## پیام شادباش کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی «حزب کار سوسیال»

بنسبیت شصتمین سالگرد پایه گذاری «حزب کمونیست سوسیال» ۱۵ اسفند ۱۳۹۹ (از سال ۱۳۲۲: «حزب کار سوسیال») کمیته مرکزی حزب کار سوسیال وقتي گرامی!  
سببانه ترین شادباشهای حزب توده ایران را بنسبیت شصتمین سالگرد پایه گذاری «حزب کمونیست سوسیال» بپذیرید.  
فرست را غنیمت می شمیریم و، ضمن تجدید هیستکی خود با کمیتههای سوسیال و مبارزان فخر آفرین شصتساله آنها، گامیهای بیشتر حزب کار سوسیال را در مبارزات مشترک علیه امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع و در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.  
با درودهای رفیقا  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
دیر اول: نورالدین گیاتوری

## دشمن واقعی، آمریکای جنایتکار است

مراسم نماز جمعه این هفته نیز با حضور گروه انبوهی از نمازگزاران در دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم محسن رضائی عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب در سخنانش بیش از حد به نماز، سخن اشاره به توطئهها و دشمنی امپریالیسم آمریکا برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تأکید کرد «امروز مسئله ما مسئله آمریکاست» و «شماره شمار مرگ بر آمریکاست». محسن رضائی در آغاز گفت: «آمریکا و سوسیالیسم بین المللی چه مطامع و چه منافع بزرگی در ایران دنبال می کند و قصد داشتند ایران را بعنوان پایگاهی كه كودهای خلیج و یکی از مهمترین عناصر دفاعی و نظامی آمریکا در گمبند نظامی كه بدور شوروی چیده بود، از ایران استفاده كند. وی با اشاره به توطئه آمریکا برای زوی كار آوردن يك دولت میانه رو» قبل از بیروزی انقلاب گفت: «(بختیار) آغازی بود برای اینکه يك دولت میانه رویی را بر سر كار برشود است»  
ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۲۴ اسفند اعلامیه خود، عملیات نیروهای مدافع جمهوری اسلامی ایران را علیه متجاوزین سدامی طی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، شرح زیر برشود است:  
«در جبهه های آبادان و خوزین- شس مواضع نیروهای ارتش عراق، همچون گذشته، زیر آتش توپخانه و سلاحهای سنگین نیرو- های دلاور ما قرار داشت، كه در نتیجه ۹ تانك، ۴ خودرو، ۴ اتیار مهمات يك قیسه تفنگ نیمه سنگین ۱۰۶ میلیتری با جیب حامل آن و بیش از هشتك اجتماعی و دیدماتی و چند منطقه تجمع دشمن متهدم و عدهای از

## لئونید برژنف: آنچه میتواند راهگشای جامعه بشری بسوی فردا باشد، كوشش در راه تحكیم صلح است و نه تلاش برای تهیه مقدمات جنگ

تهدیب اخلاقی انسانهای خامل و گمراه و مخالف با هدف سالم سازی جو جامعه، و بیخود نمی تواند به نیازهای جامعه متحول و انقلابی ما پاسخ گوید.  
جامعه بشری، در سیر تحول و تکامل خود بسوی مرحله ایلیت، برای حل مشکلات خود همواره شیوههای نوینی اندیشیده است. این شیوههای نو منطبق با مقتضیات زمان و مكان و سیر جامعه از ساده به پیچیده است. اگر روزی بشر با تیر كمان و سپر در برابر دشمن از خود دفاع میكرد، امروز با هواپیما و توپهای ضد هوایی از خود دفاع میكند. اگر روزی مسئله گرسنگی را با كشت گندم حل میكرد، امروزه از مادم غذایی برای رفع جوع در

## گفتگوهای سو کوردگان ضد انقلابیون افغانی در واشنگتن

«واگذاری موشكهای زمین به هوا به «مبارزان» افغانی از راه پاکستان»  
خبرگزاری فرانسه از لندن گزارش میدهد كه دولت «ریگان» «آرام آرام» واگذاری سلاح را به ضدانقلابیون افغانی «بشکل علنی» تبدیل می سازد؛ فرد بتول، نماینده بریتانیا در «پارلمان اروپا»، به مساجیدی با ساتنی «تایمز» در این امر اشراف کرده است.  
لرد بتول، كه پس از سفری کوتاه به ایالات متحده آمریکا، به بریتانیا بازگشته است، از دیدار سرگردگان ضدانقلابیون افغانی با مقامات رسمی واشنگتن و كنگره های آنها بیامون و واگذاری یقه در صفحه ۲

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### در چارچوب قانون اساسی...

تجزیه بصورت يك روند عینی جامعه، باید پایه علمی هرگونه بررسی در قانون تشکیل احزاب و گروههای سیاسی قرار گیرد. زیرا هر قانونی، اگر بر این پایه عینی و علمی متکی نباشد، دیر یا زود به کفگیر برآرزوی تبدیل میشود.

لایحه قانونی شورای عالی قضائی که به نام «قانون تشکیل احزاب، انجمنها، احزاب و تفرقهها» در پنج ماده به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است با مسئله تحزب برخورد درستی داشته است. در این لایحه گفته میشود که تشکیل حزب «بی آنکه تیزی به تحصیل پروانه رسمی داشته باشد آزاد است و اگر نخواهد رسماً شخصیت حقوقی داشته باشد باید به ثبت برسد» و اگر از حزب مشروعیت شروع دیگران وحدت ملی، موافقت اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی و مصالح کشور باشد مرتبه و مسأله و طبق مقررات قضیب و مجازات مشوده و در صورت «تکرار تخلفات فوقه دادگاه آراء غیرقانونی اعلام و از فعالیت آن جلوگیری میکنند».

لایحه قانونی فوقه ساده روشن، بدون ابهام و بدون نقض هیچیک از اصول قانون اساسی ایران تنظیم شده است.

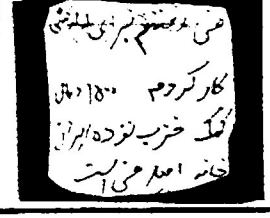
تلاش برای جلوگیری از فعالیت آزاد احزاب سیاسی، حتی از طریق قانون مخالف با اصلیم قانون اساسی است که در آن گفته میشود هیچ دلیلی هیچ مقامی، حق ندارد «آزادیهای مشروع را هر قدر با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

گنجانیدن این جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی قانونگذاران مجلس خبرگان، با در نظر گرفتن تمام تجریبات نوم دوران گذشته شاهنشاهی، که قانون اساسی داشتیم و با «قانون» و یا صرفاً دستور شاه، آزادیهای مشروع را که حق تشکیل تمام افراد احزاب سیاسی یکی از بهترین آنهاست، سادگی از مردمسلب میکنند، صورت گرفته است. حالا اگر دکسیوس، «مقرراتی»، «قانونی» بخواهد این حق مشروع را، که در اصل ۲۶ قانون اساسی و اصل نهم صراحت ذکر شده است، زیر پا بگذارد، مخالفت با اساسی جمهوری اسلامی و شیوه حکومت اسلامیه است که در مقدمه قانون اساسی آورده شده و در آن گفته میشود: «قانون اساسی تصنیف گشته هر گویا استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی میباشد».

سلب است که تحدید آزادیهای مشروع، بهر شکل و صورتی انجام گیرد، جز در جهت تحصیل «استبداد فکری و اجتماعی» گروهی بر گروه دیگر، طبقه ای بر طبقه دیگر، نمیتواند باشد. در لایحه «قانون احزاب» که اکنون در مجلس مورد مذاکره قرار گرفته است، بر طبق ماده ۱۰، روشن و بدون ابهام، شورای عالی قضائی، یکسلسله تشریفات و مقررات زائد و محدود کننده، که میتواند مورد سوء استفاده برای تحمیل «استبداد فکری و اجتماعی» قرار گیرد و حق داشتن تفکر سیاسی و فعالیت آزاد سیاسی را

### کمیته عالی به حزب خودناظران تک و چندگانه اختیالی است!

احمدزاد نودوسی  
(در شماره ۴۳۰ نشانیها صد هزار ریال درج شده بود)  
ماهگیری از بند انزلی  
امیر - منصور از دست  
۱۰۰۰۰ ریال  
رفیق ه از سازی می نویسد:  
من در قم برای لوله کشی کار کردم ۱۵۰۰۰ ریال کلمه حزب توده ایران خانه امید من است



از مردم سلب کند. آنچه شده است، در این لایحه سرنوشته سازمانهای سیاسی یک کیسیون هفت نفری سرده میشود و آنان هستند که باید «درخواست مصدق» رسیدگی کنند و حق را که قانون اساسی بصورت عام برای تمام مردم قائل شده است، آنان بصورت خاص به آنان بدهند و یا اصولاً ندهند! در لایحه نامبرده مواد دیگری از این قبیله که یک قوه مجریه مترش می تواند برای تحصیل «استبداد فکری و اجتماعی» بر مردم سلب حق مشروع از آنان، از آن سوسامانده کرده بازم وجود دارد.

مسئله «قانون احزاب» تنها یک مسئله قانونی هم نیست. این مسئله میتواند بصورت بزرگترین مسئله سیاسی جمهوری اسلامی ایران در آید. اگر مقصود از گنجانیدن «قانون احزاب» تحت اصول قانون اساسی است که لایحه شورای عالی قضائی وجود داشت، و اگر مقصود چیز دیگری است، آیا ما در این شرایط، که از هر طرف در معرض هجوم دشمنان انقلاب هستیم، ملاحظه است که خودمان بدمت خودمان «قانونی» وضع کنیم که بر تشنه های داخلی کشور بیفزاید و دلیلی بدمت دشمنان داخلی و خارجی ما بدهد که، سنگ خوششان بکوبند!

ما امیدواریم و انتظار داریم که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، با درک عمیق مسئولیت خود در این مسئله حساس و حیاتی، هنگام شور دوم درباره طرح قانونی «تشکیل احزاب و جمعیتها» اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را درباره تأمین و تضمین بر خنده آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، راهنمای خود قرار دهند و هرگونه محدودیتی را در این زمینه از بین ببرند و آنچه بهتر که لایحه شورای عالی قضائی را در این زمینه تصویب برسانند. ما در مورد ضرورت حیاتی تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای تحکیم و گسترش انقلاب، به نمایندگان مجلس شورای اسلامی هشدار می دهیم.

### آنچه می تواند راهگشای...

جوانب بین المللی این مسئله را دربر گیرد و نه امور داخلی افغانستان را!

گویند بر ژرفه سپس به بحث درباره محدود کردن تسلیحات استراتژیک و کشت انواع آن پرداخت و گفت:

داین مسئله حتی اهمیت فوق العاده است و ما حصریم مذاکرات در این زمینه را با حفظ تمامی دستاوردهای مثبتی که تاکنون بدمت آمده است، بیدرتک با ایالات متحده آمریکا از سر بگیریم. بدینوسیله است که این مذاکرات قطع نمیتواند بر اساس برابری و امنیت متقابل انجام گیرد و اتحاد شوروی هرگز به ایالات متحده آمریکا مزایای یک جانبه نخواهد داد و هیچکس نباید در این باره دچار توهمان میفیم!

ما حصریم درباره محدود کردن انواع مختلف سلاحها و مذاکره شویم. ما قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که ایالات متحده از ساختن سیستم موشکی دریائی قزاقی بدمت دست بردارد و ما نیز از ایجاد سیستم مشابه آن در کشور خودمان سر قنظ کنیم. امریکائیا پیشنهاد ما را نپذیرفتند و زیر دریائی جدیدی بنام «ارهاپو» مجهز به موشکهای قزاقی ساختند. ما نیز مجبور شدیم سیستم مشابهی بنام «تایغون» بسازیم. ما حصریم درباره محدود کردن تولید زیر دریائی «ارهاپو» و «تایغون» در کشور و همچنین درباره انصراف از مدرنیزه کردن موشکهای بالستیک موجود و تولید انواع جدید آن که قابلیت در زیر دریائیها نامبرده هسته وارد مذاکره شویم.

ما پیشنهاد میکنیم که طرفین از ام اکنون از استقرار سلاحهای میانبرد جدید موشکی و هسته ای در اروپا صرف نظر کنند. یعنی سطح موجود این نوع سلاحها، از جمله سلاحهای هسته ای، مندم آمریکا در این منطقه، از حیث کمی و کیفی بهین حال باقی بماند.

ما پیشنهاد میکنیم که یک کمیته ذیصلاح بین المللی از دانشمندان بزرگ کشورهای مختلف جهان تشکیل گردد و ضرورت حیاتی جلوگیری از فاجعه اتمی را بررسی کند.

ما پیشنهاد میکنیم که برای جستجوی راه حل سالم سازی اوضاع بین المللی و جلوگیری از بروز جنگ، اجلاس ویژه شورای امنیتیا شرکت سران کشورهای عضو شورا تشکیل گردد. رهبران سایر کشورها نیز، در صورت تمایل، میتوانند در این اجلاس شرکت کنند.

گویند بر ژرفه افزود: داین پیشنهادها غزه اتحاد شوروی برای ادامه و بسط برنامه صلح ماست که حادثین و میرترین مسائل بین المللی کنونی را دربر میگیرد.

گویند بر ژرفه در گزارش خود یاد آور شد که: «وظیفه ای که کنگره قبلی برای حزب تعیین کرده بود، بطور کلی با موفقیت انجام گرفته است».

گویند بر ژرفه سپس اظهار داشت که: «داین وظایف در شرایط مبارزه بین دوست و دشمن، سیاست جهانی: سمت مهار کردن سبایه تسلیحاتی، تحکیم صلح و تشجیزات و دفاع از حق حاکمیت و آزادی ملتها از یگانه و سمت تشجیزات و نامزدن سبایه تسلیحاتی و سیاست همدید و مداخله در امور داخلی سایر کشورها و سرکوب مبارزات آزادیبخش از سوی دیگر، انجام گرفته است».

در سالهای بین دو کنگره، مبارزه انقلابی ملتها و نیروهای قزاقی بدمت آورده است. گواه این مدعا انقلابهای اتیوپی، افغانستان، نیکاراگوا و سرنگونی رژیم فئودالی سلطنتی در ایران است. در دهه سالهای ۲۰ علاء امر امپراتوریهای استعماری پایان پذیرفت».

گویند بر ژرفه سپس به بحث درباره مسائل مربوط به همکاری کشورهای سوسیالیستی پرداخت و گفت:

حزب ما، کمیته مرکزی و دقرسیاسی آن، در تمام این سالها حداکثر کوشش را در راه تقویت دوستی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی بکار بسته اند».

گویند بر ژرفه افزود: «ما همه با هم سرگرم ایجاد دنیای تازه سوسیالیسم و برقراری روابط تازه علاءه، برادرانه و برابر بین کشورهایمان هستیم. روابطی که در تاریخ بی سابقه است. روابط اتحاد شوروی با کشورهای عضو جامعه سوسیالیستی، یعنی بلغارستان، مجارستان، ویتنام، جمهوری دمکراتیک آلمان، کوبا، لاتویا، مولدووا، لهستان، رومانی، چکسلواکی بر این پایه بنا شده است. ما در زمینه کلیه مسائل عمده یسرفت اجتماعی و اقتصادی و سیاست بین المللی وحدت نظر امونی و استوار داریم. ما این وحدت نظر را، که ثمره

همکاریهای مداوم احزاب کمونیست برادر است».

استوار بزرگ مشش کلان میباشد».

با آنکه سبایه اخیر را نمیتوان برای برخی از کشورهای سوسیالیستی به حساب آورد، سبایه برش نامیده ولسی با این وجود، آنگاه رشده اقتصادی کشورهای عضو سبایه همکاری اقتصادی ظرف همسال اخیر در برابر آنگاه رشده اقتصادی کشورهای سرمایه داری بوده و کشورهای عضو شورا همچنان در جرگه کشورهای جهان که با سرعت زیاد ترقی میکنند، باقی مانده اند».

گویند بر ژرفه گفت: «ما مستلنی را که در جریان همکاری کشورهایمان پیش می آید، مستترک حل میکنیم و میکوشیم تا بهترین راه حل برای تلفیق هر چه بیشتر منافع هر یک از کشورهایمان با منافع مشترک جامعه کشورهای سوسیالیستی بیابیم. برای مثال میتوان قیمت کفایت نفت و گاز و سایر مواد خام و کالاهای صنعتی راه که بین کشورهای عضو شوروی میباید، بنامه پیشروین موارد خاصی پیش می آید که باید به کشورها های برادر کمک فوری ابراز داشت چنانکه در مورد ویتنام در سال ۱۹۶۹، هنگلیکه در مرض تجاوز و حمله یکن قرار گرفت، پیش آمد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بیدرتک مواد غذایی، دارو، مصالح ساختمانی و سایرین که به ویتنام فرستادند. همچنین به کمپوزیته که داروسته پولیوتیه سرسردگان یکن، آتراه به ویتنامه تبدیل کرده بودند کمک فوری دادند».

گویند بر ژرفه افزود: «داینست منافع مشترک ناسیونالیسم سوسیالیستی، و مراد ما آتراه به خوبی درک و تأیید میکنند».

گویند بر ژرفه گفت: «کشورهای سوسیالیستی با بسط و توسعه روابط بازرگانی با غرب موافقت و آتراه یکی از عوامل ثبات وضع بین المللی می دانند. لیکن در این مسئله نمیتوان سیاست کشورها های سرمایه داری را نادیده گرفت. آتراه غالباً تلاش میکنند که روابط اقتصادی را به احمرم فشارنیاسی بر ما بمبدل کنند. انواع و اقسام تحریمها و محدودیتهای تولید با تمسح در زمینه بازرگانی این یا آن کشور سوسیالیستی گویا این طلبیست».

گویند بر ژرفه سپس به واقع لستان اشاره کرد و گفت: «داینجا که بر اشتیاقات و خطیهای سیاست داخلی، توشه و تحریکات راهی امیرالیسم افزوده میشود زمینه برای گسترش فعالیت عناصر مخالف با سوسیالیسم فراهم میگردد. در لستان چنین شد و میلی دولت سوسیالیستی در مرض خطر قرار گرفت».

گویند بر ژرفه افزود: «دکونیتهای لستان، طبقه کارگر لستان، زحمتکش این کشور می تواند به دوستان و متحدان خود اطمینان کامل داشته باشند. ما کشور برادرمان، کوروسوسیالیستی لستان را هرگز در مصیت تنها نمیگذاریم».

گویند بر ژرفه گفت: «در کنگره قبلی گفته شد که کشورهای سوسیالیستی پیوسته یکدیگر نزدیکتر میشوند. این روند همچنان در حال رشد و تکامل است. لیکن باید دانست که روندها دردهه بیستای سبایه خصوصیات ملی و ویژگیهای تاریخی کشورهای سوسیالیستی نیست و تنوع اشکال حیاتی اجتماعی این کشورها و سازماندهی اقتصادی، موجب غنای راهها و شیوههای برقراری نظم سوسیالیستی میگردد».

گویند بر ژرفه سپس به بحث درباره روابط اتحاد شوروی و چین پرداخت و اظهار داشت: «مستفانه هنوز نمیتوان گفت که درسیاست خارجی یکن تغییرات عمیقی درجهت بهبود این سیاست روی داده است. سیاست خارجی چین همچنان در جهت تشجیزات و پهلو به پهلو با سیاست امیرالیسم پیش می رود. هدف ایالات متحده آمریکا و ژاپن و برخی از کشورهای عضو ناتو از گسترش روابط نظامی و سیاسی خود با چین، بهره گیری از سیاست خصمانه چین نسبت به اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی، بسود مقاصد امیرالیسی خودشان است. علت سردی در روابط چین و اتحاد شوروی موضوع ما نیست. اتحاد شوروی درصدد بازگشتن یا جمهوری توده ای چین نیوده نیست، ما به پیروی از تصمیمات کنگره های بیست و چهارم و بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی مایلیم که روابط خود را با جمهوری توده ای چین، بر اساس حسن همجواری، بنا کنیم. پیشنهاد های ما در مورد عادی کردن روابط بین دو کشور همچنان بقوت خود باقیست و در احساسات دوستی و احترام ما نسبت به خلق چین نیز کوچکترین خللی وارد نشده است».

ادامه خلق گویند بر ژرفه را در شماره فردا میخوانید».

### در چارچوب قانون اساسی...

بقیه از صفحه ۱

تجزیه، بصورت يك روند عینی جامعه، باید پایه علمی هرگونه بررسی در قانون تشکیل احزاب و گروههای سیاسی قرار گیرد، زیرا هر قانونی، اگر بر این پایه عینی و علمی منکی نباشد، دیر یا زود به کاغذپاره بیارزشی تبدیل میشود.

لایحه قانونی شورای عالی قضائی، که به نام «قانون تشکیل جمعیتها، انجمنها، احزاب و تفرقهها» در پنج ماده به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است، با مسئله تجزیه برخورد درستی نداشته است. در این لایحه گفته میشود که تشکیل حزب «بی آنکه لایحه به تصویب برآید» رسمی داشته باشد آزاد است و «اگر میخواهد رسماً شخصیت حقوقی داشته باشد باید به ثبت برسد و اگر از حزب مشروع گزینی که دیگرا، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی و مصالح کشور باشد سرزد و معاکه و طبق مقررات قضایی و مجازات میشود و در صورت «تکرار تخلفات فوق، دادگاه آراء غیرقانونی اعلام و از فعالیت آن جلوگیری میکند».

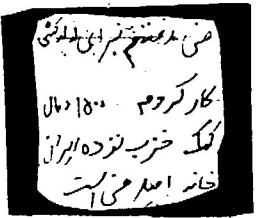
لایحه قانونی فوق، ساده، روشن، بدون ابهام و بدون نقض هیچیک از اصول قانون اساسی ایران تنظیم شده است. تلاش برای جلوگیری از فعالیت آزاد احزاب سیاسی، حتی از طریق قانون، مخالف با اصلنامه قانون اساسی است که در آن گفته میشود هیچ دلیلی هیچ مقامی، حق ندارد «آزادیهای مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

گنجاندن این جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی قانونگذاران مجلس خبرگان، با دید نظر گرفتن تمام تجربیات شوم دوران گذشته شاهنشاهی، که قانون اساسی داشتیم و با «قانون» و یا صرفاً دستور شاه، آزادیهای مشروع را که حق تشکیل تمام افراد در احزاب سیاسی، یکی از مهمترین آنهاست، سادگی از مرد سلطنت میکردند، صورت گرفته است. حالا اگر «کمیسونی» و «مقرراتی»، «قانونی» بخواهد این حق مشروع را، که در اصل ۲۶ قانون اساسی و اصل نهم صراحت ذکر شده است، زیر پا بگذارد، مخالفت با اساس جمهوری اسلامی و دشمنی خودشان بگویند؟

حکومت اسلام، است که در مقدمه قانون اساسی آورده شده و در آن گفته میشود: «قانون اساسی تصمین گزینی هر گروه» است. «تشدید فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی میباشد».

### کسب مالی نه حزب توده ایران تک و طبقه انقلابی است!

احمدزاد رودس ۵۰۰۰ ریال (در شماره ۴۳۵ لشتیها صد هزار ریال درج شده بود) ماهگیری از بندر انزلی امیر - منصور از رشت ۱۰۰۰ ریال زقیق ۵ از ساری مینویسد: من رقم برای لوله کشی کنار کردم ۱۵۰۰ ریال کسب. حزب توده ایران خانه امید من است



از مردم سلب کند، افزوده نموده است. در این لایحه سر نوشت سازمانهای سیاسی یک کسیون هستند که باید «در دو خواست متقاضیان» رسیدگی کنند و حتی را که «قانون اساسی صورت عالی برای تمام مردم قابل شهادت» آنان بصورت خاصی به آسان بدهند و یا اصولاً ندهند! در لایحه نامبرده مواد دیگری از این قبیل، که یک قوه مجریه مرفعی می تواند برای تحمیل «استبداد فکری و اجتماعی» بر مردم سلب حق مشروع از آنان، از آن سوءاستفاده کند، باز هم وجود دارد.

مسئله «قانون احزاب» تنها یک مسئله قانونی هم نیست. این مسئله می تواند بصورت بزرگترین مسئله سیاسی جمهوری اسلامی ایران درآید. اگر مقصود از گذراندن «قانون احزاب» تحت اصول قانون اساسی است، که لایحه شورای عالی قضائی وجود داشته و اگر مقصود چیز دیگری است، آیا ما در این شرایط، که از هر طرف در معرض هجوم دشمنان انقلاب هستیم، عاقلانه است که خودمان بدست خودمان «قانونی» وضع کنیم که بر تشنه های داخلی کشور، بیفزاید و دلیلی بدست دشمنان داخلی و خارجی ما بدهد که، سنگ «آزادی» را محکمتر بسینه خودشان بکوبند؟

ما امیدواریم و انتظار داریم که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یا درک عمیق مسئولیت خود در این مسئله حساس حیاتی، هنگام شور دوم درباره طرح قانونی «تشکیل احزاب و جمعیتها» اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را درباره تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، ارضای خود قرار دهند و هرگونه مصودبندی را در این زمینه از بین ببرند و چه بهتر که لایحه شورای عالی قضائی را در این زمینه به تصویب رسانند. ما در مورد ضرورت حیاتی تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای تحکیم و گسترش انقلاب، به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، هشدار می دهیم.

### آنچه می تواند راهگشای...

جوانب بین المللی این مسئله را در بر گیرد و نه امور داخلی افغانستان را.

توانید برزف سپس به بحث درباره محدود کردن تسلیحات استراتژیک و کاهش انواع آن پرداخت و گفت: فاین مسئله حائز اهمیت فوق العاده است و ما حاضریم مذاکرات در این زمینه را با حفظ تمامی دستاوردهای مثبتی که تاکنون بدست آمده است، بپذیریم. با ایالات متحده آمریکا از سر بگیریم، بدیهی است که این مذاکرات فقط میتواند بر اساس برابری و امنیت متقابل انجام گیرد و اتحاد شوروی هرگز به ایالات متحده آمریکا مزایای یک جانبه نخواهد داد و هیچکس نباید در این باره دچار توهمان بی پایه باشد.

ما حاضریم درباره محدود کردن انواع مختلف سلاحها و مذاکره شویم. ما قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که ایالات متحده از ساختن سیستم موشکی دریائی «فرایند» صحت بردارد و ما نیز از ایجاد سیستم مشابه آن در کشور خودمان صرف نظر کنیم. امریکائیها پیشنهاد ما را نپذیرفتند و زیر دریائی جدیدی بنام «داره ایو» مجهز به موشکهای «فرایند» ساختند و ما نیز مجبور شدیم سیستم مشابهی بنام «تایفون» بسازیم. ما حاضریم درباره محدود کردن تولید زیر دریائی «داره ایو» و «تایفون» در کشور و همچنین درباره انصراف از مدرنیزه کردن موشکهای بالستیک موجود و تولید انواع جدید آن، که قابل نصب در زیر دریائیها نامبرده هستند، وارد مذاکره شویم.

ما پیشنهاد میکنیم که طرفین از هم اکنون از استقرار سلاحهای میان برد جدید موشکی و هستهای در اروپا صرف نظر کنند، یعنی سطح موجود این نوع سلاحها، از جمله سلاحهای هستهای خط مقدم آمریکا در این منطقه، از حیث کمی و کیفی بهین حال باقی بماند.

ما پیشنهاد میکنیم که یک کمیته دیپلوماتیک بین المللی از دانشمندان بزرگ کشورهای مختلف جهان تشکیل گردد و ضرورت حیاتی جلوگیری از فاجعه اتمی را بررسی کند.

ما پیشنهاد میکنیم که برای جستجوی راه حل سالم سازی اوضاع بین المللی و جلوگیری از بروز جنگ، اجلاس ویژه شورای امنیت شرکت سران کشورهای عضو شورا تشکیل گردد. زهران سایر کشورها نیز، در صورت تمایل، میتوانند در این اجلاس شرکت کنند.

توانید برزف افزود: «این پیشنهادها تازه اتحاد شوروی برای ادامه و بسط برنامه صلح ماست که حاقدین و میرترین مسائل بین المللی کنونی را در بر میگیرد».

توانید برزف در گزارش خود یادآور شد که: «وظیفی که کنگره قبلی برای حزب تعیین کرده بود، بطور کلی با موفقیت انجام گرفته است».

همکاری های مداوم احزاب کمونیست برادر است، دستاورد بزرگ مشترک میانیم.

با آنکه سالهای اخیر را نمیتوان برای برخی از کشورهای سوسیالیستی به لحاظ اقتصادی، سالهای برتر نامید، ولی با این وجود، آهنگ رشد اقتصادی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی ظرف ده سال اخیر در برابر آهنگ رشد اقتصادی کشورهای سرمایه داری یوده و کشورهای عضو شورا همچنان در چرخه کشورهای جهان، که با سرعت زیاد ترقی کرده اند، باقی مانده اند. توانید برزف گفت: «ما مسائلی را که در جریان همکاری کشورهایمان پیش می آید بیشتر کا حل میکنیم و میکوشیم تا بهترین راه حل را برای تلفیق هر چه بیشتر منافع هر یک از کشورهای برادر با منافع مشترک جامعه کشورهای سوسیالیستی بیابیم. برای مثال میتوان قیمت گذاری نفت و گاز و سایر مواد خام و کالاهای صنعتی راه کسب بین کشورهای عضو شورای همیاری» یادآور شد. نامبرده، موارد خاصی پیش می آید که باید به کشور های برادر کمک فوری ابراز داشته، چنانکه در مورد ویتنام در سال ۱۹۶۹، هنگامیکه در معرض تجاوز وحشیانه مکن قرار گرفت، پیش آمد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بیدرتک مواد غذایی، دارو، مصالح ساختمانی و وسایلی که به ویتنام رسانند. همچنین به کامبوجیا، که داردرسته پرولوت، سرسیردگان مکن، آترا به ویرانه تبدیل کرده بودند، کمک فوری دادند.

توانید برزف افزود: «اینست معنی است. ناسیونالیسم سوسیالیستی، مردم ما آترا به خوبی درک و قایید میکنند».

توانید برزف گفت: «کشورهای سوسیالیستی با بسط و توسعه روابط بازرگانی با غرب موافقت و آترا یکی از عوامل ثبات وضع بین المللی می دانند. لیکن در این مسئله نمیتوان سیاست کشورهای سرمایه داری را نادیده گرفت. آنها غالباً تلاش میکنند که روابط اقتصادی را به احسوم اقتصادی بر ما تبدیل کنند. انواع و اقسام تحریمها و محدودیتهای توجیه با تمییز در زمینه بازرگانی این یا آن کشور سوسیالیستی گواهم این مطلب است».

توانید برزف سپس به وقایع لپستان اشاره کرد و گفت: «دآنجما که بر اشتباهات و خطاهای سیاست داخلی، توطنها و خرابکاریهای امریالیسم افزوده میشود، زمینه برای گسترش فعالیت عناصر مخالف با سوسیالیسم فراهم میگردد. در لپستان چنین شد و مبنای دولت سوسیالیستی در معرض خطر قرار گرفت».

توانید برزف افزود: «کمونیستهای لپستان، طبقه کارگر لپستان، زحمتکشان این کشور می توانند به دوستان و متحدان خود اطمینان کامل داشته باشند. ما کشور برادرمان، کشور سوسیالیستی لپستان را هرگز در مسیبت تنها نمیگذاریم».

# نامه سرگشاده سازمان جوانان توده ایران به «شورای انقلاب فرهنگی»

### با بازگشایی دانشگاهها و مدارس عالی بر مبنای نیازها و منافع انقلاب، دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی را سرعت بخشید!

ضدانقلابی و مائوئیستی کرد، تحقق نیافت. کارشکنی لیبرالها در امر دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی - که امروزه گستاخانه سنگ دفاع از علم و دانشگاه را به سینه می‌زنند - و تشدید فعالیت‌های خرابکارانه گروهک‌های ضدانقلابی، در دانشگاهها و مدارس عالی، موجب دست کم‌بخشی از نیروهای مترقی دانشجویی، برای انجام «انقلاب فرهنگی»، شیوه نادرست تعطیل دانشگاهها را بعنوان تنها شیوه ممکن برگزینند.

حوادث تاسف‌بار اردیبهشت ۱۳۵۹، که بدون تردید امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پروردش در برافروزی آن نقش مهمی داشتند، منجر به درگیری در دانشگاهها و تشنج در شهرهای دانشگاهی گردید. ما در آن زمان دست آلوده امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پروردش را در درس این تشنج‌آفرینی دیدیم و، برای جلوگیری از تشدید درگیری، بلافاصله دفتر خود را در دانشگاهها و مدارس عالی سراسر کشور تعطیل کردیم و دانشجویان را درگیر به آرامش و هیئتی درجهت ایجاد یک نظام آموزشی انقلابی، مترقی و مردمی فراخواندیم. تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا در طیس، که بلافاصله پس از حوادث دانشگاهها روی داد، ارزیابی ما را بنحوی انکارناپذیر تایید کرد.

از آن پس، از سوی بخشی از دانشجویان و استادان دانشگاهها، مسئله تعطیل مراکز آموزش عالی پیگیری شد و با حمایت محافظی از مسئولین مملکتی، این امر در ۱۵ خرداد ۱۳۵۹، بدون یک برنامه‌ریزی و دورنمای روشن، انجام گرفت.

### تعطیل دانشگاهها و عوارض آن

در آن موقع این سؤال با شدت هرچه تمام تر مطرح بود که: آیا برای انجام تحول انقلابی در آموزش عالی باید نخست آن را از حرکت بازداشت و آنگاه هر چند وقت که طول بکشد! آن را به حرکت درآورد و در این فاصله دگرگونی‌های لازم را انجام داد؟ و یا اینکه می‌توان این تحول انقلابی را در شرایط باز بودن دانشگاهها و با مشارکت توده‌های دانشجویی و همکاران و در حال حرکت و فعالیت‌موتور دانشگاهها انجام داد؟

ما به قسمت مردم معتقد و بر آن بودیم که تعطیل درازمدت دانشگاهها - حتی اگر با نیت خیر و به قصد برنامه‌ریزی برای «انقلاب فرهنگی» باشد - از جمله عوارض زرس را به بار خواهد آورد. ۱- ۱۷۵ هزار نفر دانشجویی که می‌بایست هرچه سریع‌تر آموزش ببینند و فعالانه در خدمت‌بازسازی جامعه به کار گرفته شوند - عاقل می‌مانند و به صف چند میلیونی بیکاران می‌پیوندند. ۲- قریب ۹۰ هزار نفر کار علمی دانشگاهها و مدارس عالی بیکار خواهند شد.

۳- صدها هزار دیپلمه پشت‌کنکور همچنان چشم‌انتظار ورود به دانشگاه خواهند ماند و بخش عظیمی از آنان به صف بیکاران افزوده خواهند شد. ۴- مراکز آموزشی و امکانات عظیم علمی، فنی، آزمایشگاهی و پژوهشی دانشگاهها تقریباً بلااستفاده می‌مانند و مقدار متناهی خرج نگهداری آن‌ها خواهد شد. ۵- برای مدت‌ها، مبین انقلابی ما، در شرایطی که بیش از هر زمان دیگری به نیروی متخصص برای بازسازی نیاز دارد، از تربیت کادر متخصص و ورزیده محروم خواهد ماند.

اندیشه و بیان و هر گونه اعتراض به نظام نوآستعماری آموزشی، توسط ساواک و گارد با خشونت سرکوب می‌شد. (د. بوروکراسی، که از ماهیت رژیم گذشته برمی‌خاست، تار و پود سیستم آموزشی عالی - نظیر تمامی دستگاه‌های کشور - را به بند کشیده بود و این امر امکان هر گونه شکوفایی استعداد و خلاقیت فکری را سلب می‌کرد.)

### آموزش عالی پس از انقلاب شکوهند مردم ایران

با پیروزی انقلاب شکوهند مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، چشم‌اندازهای نوینی در عرصه نظام آموزش عالی گشوده شد. همه نیروهای مترقی دانشجویی - از جمله دانشجویان توده‌های - با شور و شوق به انقلاب تهنیت گفتند و چشم انتظار دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی گردیدند.

ولی دولت موقت لیبرال‌ها در دوران حکومت خود، نه تنها هیچ اقدامی در جهت تحول بنیادی در آموزش عالی نکرد، بلکه حتی اساتید سرشناس آموزشی تادم‌ها در کف حمایت لیبرال‌ها به «تدریس» ادامه دادند. محتوی دروس نیز تغییری نکرد. در این دوران اکثر اقداماتی در زمینه تصفیه عناصر سراسری و یا شرکت دانشجویان در اداره امور دانشگاهها و غیره انجام گرفت، تنها در اثر فشار نیروهای مترقی دانشجویی و در مقابل با کارشکنی‌های لیبرال‌ها و دیگر مدافعین نظام کهنه آموزشی بود. علاوه بر آن، پدیده دیگری نیز رشد کرد که بعنوان پدیده منفی بر ضعف‌های اساسی دانشگاهها و مدارس عالی افزوده شد و آن سوء استفاده - گروهک‌های ضدانقلابی - چپ‌انار آزادی - های سیاسی موجود در جامعه و دانشگاهها بود.

در این شرایط حساس، که لیبرال‌ها و وابستگان به رژیم ضد فرهنگی گذشته سد راه هرگونه تحول در نظام آموزش عالی گردیده بودند، در شرایطی که گروهک‌های چپ‌نا دانشگاه را عرصه فعالیت‌های ضدانقلابی خود قرار داده بودند، متأسفانه هیچگونه همکاری موثری در میان نیروهای دانشجویی مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران (که اکثریت مطلق دانشجویان را تشکیل می‌دادند) وجود نداشت. خودبینی‌ها و انحصارطلبی‌ها و قشری‌گرایی‌ها از یک سو و چپ‌روی‌ها از سوی دیگر، سد راه این همکاری و اتحاد گردیده بود.

در آن زمان، تنها دانشجویان توده‌ای بودند که همه گروهک‌های مترقی دانشجویی را به اتحاد عمل و همکاری فراخواندند و آنان را به بسیج در مقابل گروهک‌های ضد انقلابی مائوئیستی و فعالیت بیگانه در راه انجام دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی دعوت می‌کردند.

دانشجویان توده‌ای از نخستین روز فعالیت علمی خویش در دانشگاهها، که به برکت انقلاب شکوهند مردم ایران پدید آمد، با تمام نیرو در راه ایجاد جو تفاهد و هماهنگی با دیگر گروهک‌های مترقی دانشجویی، به‌ویژه با انجمن - های اسلامی دانشجویان، کوشیدند و برای تحقق اتحاد و تشکیل دانشجویان، شمار «پیش بسوی تشکیل اتحادیه سراسری دانشجویی» را مطرح ساختند. ولی متأسفانه این شکل، که در آن شرایط می‌توانست نقش مهمی در تحول نظام آموزش عالی در راستای منافع و نیازهای انقلاب و تضمین‌کننده سلامت محیط آموزشی در مقابل فعالیت گروهک‌های

نقش مهم آموزش عالی در کمک به ایجاد تکنولوژی ملی و پرورش نسل متخصص و کارآمد کشور، این عرصه مورد توجه جدی امپریالیسم و عمال داخلی آن قرار داشت. دانشگاه بعنوان یکی از مراکز مهم علمی و مبارزه - امپریالیستی و ضد دیکتاتوری، آماج توطئه‌های نوآستعماری بود. اجرای این طرح‌ها نظام حاکم بر آموزش عالی مبین‌مان را به نظامی عمیقاً ضد خلقی و در خدمت منافع امپریالیسم و ازتجاج حاکم بر ایران بدل ساخته بود. ویژگی‌های این نظام بدین قرار بود:

الف) نظام حاکم بر آموزش عالی خصلی غیرمردمی داشت و توده‌های وسیع جوانان زحمتکش کشور عملاً از حق تحصیل عالی محروم بودند. ب) نظام آموزش عالی نه در خدمت پیشرفت و ترقی اجتماعی ایران، که در خدمت تشدید وابستگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به امپریالیسم بود. زیرا:

۱- دروس آموزش‌های فنی مشوق و تقویت‌کننده صنایع مونتاژ بودند و هیچگونه پیوند موثری میان مراکز آموزشی و مراکز تولیدی وجود نداشت. ۲- دروس و آموزش‌های کشاورزی بدور از ویژگی‌های زیستی و جغرافیایی کشور بود و هیچ ارتباطی میان آموزش کشاورزی و تولید کشاورزی در مبین‌مان وجود نداشت.

۳- دروس و آموزش پزشکی و درمانی نه در جهت برآوردن نیازهای درمانی و خدماتی توده‌های زحمتکش محروم مبین، که مشوق گرایش به «طب طبقاتی» و در خدمت طبقات مرفه جامعه بود. آموزش پزشکی و درمانی با نیازهای توده‌های محروم مبین نام‌نمی‌خواند و در هماهنگی با سیاست‌های طبقاتی و ضد مردمی درمانی رژیم پهلوی قرار داشت.

۴- دروس و آموزش علوم انسانی و اجتماعی، زیر سلطه کامل نظریات بورژوازی و نوآستعماری قرار داشت و تالیف اندیشه‌های نظریه پردازان سرمایه‌داری، به ویژه نظریه پردازان امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، بعنوان آخرین دستاوردهای علوم اجتماعی، به‌خورد دانشجویان داده می‌شد.

۵- توزیع دانشجویان در رشته‌های گوناگون به هیچوجه با نیازهای رشد صنعتی کشور تطابق نداشت. در شرایط نیاز مبرم کشور به کادر متخصص جهت توسعه صنعت و کشاورزی و در شرایط کمبود و حشتناک پزشک در کشورمان، تنها درصد اندکی در این رشته‌ها به تحصیل اشتغال داشتند و درصد عمده دانشجویان در رشته‌های غیرتولیدی و غیربایه‌ای تحصیل می‌کردند. این امر جزئی از طرح نوآستعماری امپریالیسم برای تداوم و تشدید وابستگی مبین‌مان بود. طبق آمار یونسکو در سال ۱۹۷۱، از ۹۷۳۳۸ نفر کل دانشجویان ایران، ۱۵۲۸۰ نفر در رشته‌های علوم طبیعی و دقیقه، ۱۷۴۵۱ نفر در رشته‌های مهندسی و ۴۱۵۴ نفر در رشته‌های غیرتولیدی و غیربایه‌ای تحصیل می‌کردند، یعنی در مجموع فقط ۳۷/۸ درصد دانشجویان در رشته‌های کلیدی و حیاتی به تحصیل اشتغال داشتند.

ج) آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک دانشجویان توسط رژیم شاه ملعون و کارگزاران آن شدیداً پایمال می‌شد، دانشجویان و دانشگاهیان از حق شرکت موثر در اداره مراکز آموزش عالی محروم بودند و هرگونه تلاش برای نیل به آزادی

هشت ماه تعطیل سراسری دانشگاهها و مدارس عالی کشور می‌گذرد. این مدت، «مسئله دانشگاهها» به یکی از مسایل حاد و مبرم جامعه بدل گردید. ماست، بانگاهی کوتاه به عوارض و پیامدهای تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی کشور، با نتایج زیرین مواجه می‌گردیم:

۱- تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی، ناراضی‌بخش وسیعی از دانشجویان، استادان، کارکنان دانشگاهها، دیپلمه‌های پشت‌کنکور و خانواده‌های آنان را برانگیخت و، در نتیجه، زمینه مناسبی برای بهره‌گیری و سوء استفاده ضدانقلاب فراهم آورده است. ضدانقلاب، لیبرال‌ها و مائوئیست‌های آمریکائی از این جوان - رضایی به‌منظور ایجاد انواع توطئه‌ها و آشوب‌ها بهره می‌گیرند. توطئه ۲۳ دی ۵۹، که نخستین بار توسط سازمان جوانان توده ایران (در اعلامیه مورخ ۲۵ دی ۱۳۵۹م) افشاء شد، نمونه‌ای از این بهره‌گیری است.

۲- تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی، به ابزار مناسبی برای زرادخانه تبلیغاتی امپریالیسم - سرگردگئی آمریکا، لیبرال‌ها و مائوئیست - های آمریکائی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدل گردیده است. آنان می‌کوشند با بهره‌گیری از این مسئله، چهره انقلاب شکوهند ایران را با انگ «ضدیت با علم و دانش» بیالایند.

۳- تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی، عواقب خطرناکی برای رشد و تکامل انقلاب و بازسازی مبین به‌پار آورده است. عاقل‌مانند نیروی عظیمی، که می‌توانستند جذب این مراکز شوند و با فراگرفتن علوم و فنون به‌سازندگی مبین انقلابی بنحوی موثر یاری رسانند، عدم استفاده کامل از نیروی مبین موجود در دانشگاهها، به‌ویژه اساتید و دانشجویان تربیت - علم و دانشجویان رشته‌های فنی و عدم بهره‌گیری کامل از مراکز آموزشی امکانات فنی آن‌ها و بالاخره محروم ماندن بخش وسیعی از نیروهای دانشجویی از مشارکت در امر دگرگونی نظام آموزشی و ... از جمله این عواقبند.

۴- مجموعه این عوامل، و تکرانی ما از اینکه تداوم تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی پیامدهای ناگوار بیشتری برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به‌پار آورد، واحساس تعهد و وظیفه‌ای که در مقابل سرنوشت انقلاب و فرهنگ ایران انقلابی می‌کنیم، ما را بر آن داشت، تا سار دیگر نظرات خویش را درباره «مسئله دانشگاهها» بیان داریم، بدین امید که مورد توجه جدی شما مسئولین و دست‌اندرکاران محترم انقلاب فرهنگی قرار گیرد.

لزم تحول بنیادی در نظام آموزش عالی از کجا ناشی می‌شود؟

انقلاب شکوهند مردم ایران به رهبری امام خمینی، انقلابی از نظر مضمون ضد امپریالیستی و مردمی است، که هدف آن ریشه کن ساختن سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم و نوآستعمار، به‌سرگردگئی آمریکا، از مبین‌مان و تأمین آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک برای توده‌های وسیع مردم است.

یکی از عرصه‌های مهمی که انقلاب ضرورت دگرگونی بنیادی آن را مطرح ساخته، عرصه فرهنگ و از آن جمله آموزش عالی است. تگاهی به نظام آموزش عالی در دوران رژیم وابسته به امپریالیسم گذشته، ضرورت این دگرگونی عمیق و بنیادی را نشان می‌دهد:

### آموزش عالی در دوران رژیم وابسته به امپریالیسم

در دوران سلطنت‌ننگین خاندان پهلوی و به ویژه پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سلطه امریستی امپریالیسم، به سرگردگئی امپریالیسم آمریکا، بر همه شئون زندگی مبین‌مان و از جمله بر فرهنگ و نظام آموزش عالی برقرار بود. نظریه

ع- در چنین شرایطی، جای خالی بخش عظیمی از جوانان - که باید اداره امور کشور را بدست گیرند، ولی از کسب تخصص علمی وقتی محروم می‌مانند - لاجرم توسط متخصصین تحصیل کرده در کشورهای سرمایه‌داری غرب، که بطور عمده از خانواده‌های مرفه و متاثر از شیوه تکرر زندگی سرمایه‌داری غرب هستند، پر خواهد شد. علاوه بر آن، بخشی از جوانان برای ادامه تحصیل راهی کشورهای سرمایه‌داری می‌شوند، که این خود مبالغه قابل توجهی از ارز کشور خارج خواهد ساخت.

۷- بسیاری گروه‌های ذکر شده ناراضی خود و خانواده‌هایشان را بدنبال خواهد داشت و، در نتیجه، برای ضدانقلاب، زمینه لازم جهت تبلیغ علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد ساخت. ما با پیشینی عوارض فوق و نیز با توجه به این نکته، مهم که، تعطیل مراکز آموزش عالی نیروی خلاق دانشجویان را از شرکت در انجام دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی باز خواهد داشت، با تعطیل درازمدت دانشگاهها و مدارس عالی مخالفت کردیم. بمنظر ما، تعطیلات سه ماهه تابستان برای بی‌ریزی و برنامه‌ریزی چنین تحولی، با توجه به ضرورت مرم و حیاتی استفاده و بهره‌برداری از امکانات انسانی مراکز آموزش عالی، کافی بود. به همان گونه که در زمینه آموزش قابل دانشگاهی - که دامنه

بهر حال و علیرغم تمامی این استدلال‌ها و دلایل منطقی، دانشگاهها و مدارس عالی از خرداد ماه سال ۱۳۵۹، با دورنمایی مبهم و بدون طرح و برنامه روشن، تعطیل شدند و «شورای انقلاب فرهنگی» بعنوان ارگانی که وظیفه نظیر این تشنج‌ها، طرح‌های انقلابی برای تحول در آموزش عالی و ایجاد محمل‌های ضروری برای بازگشایی مراکز آموزش عالی را به‌طور جدی دارد، تشکیل شد و، به‌دنبال آن، نهادهایی چون «جهاد دانشگاهی» و کمیته‌های گوناگون دیگر شروع به کار کردند.

### عملکرد چند ماهه دست - اندرکاران در انقلاب فرهنگی

برخورد منصفانه و مبتنی بر اخلاق انقلابی حکم می‌کند که هر انسان انقلابی در ارزیابی عملکرد مسئولین محترم و دگرگونی‌اندرکاران «انقلاب فرهنگی» این واقعیت انکارناپذیر را تصدیق کند که، در این چند ماهه، آن‌ها بی‌وقفه و با خلوص نیت تلاش کرده‌اند و تمام مساعی خود را برای انجام وظایف سنگین فوق و تحقق هدف‌های مرم دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی به‌کار گرفته‌اند. ولی صرف‌نظر از این تلاش قابل تقدیر و این نیت پاک و انقلابی، آ «شورای انقلاب فرهنگی» و دیگر دست‌اندرکاران «انقلاب فرهنگی» تاکنون موفق شده‌اند که نتایج حیران‌کننده و برای امر انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاهها دورنمایی روشن ترسیم کنند؟

نظری به سخت عمده عملکرد چند ماهه، دست‌اندرکاران «انقلاب فرهنگی» برای پاسخ بدین پرسش، ضرور است:

### الف: جذب نیروی دانشجویان

بمنظور جذب نیروی ده‌ها هزار نفری دانشجویان (که بعنوان یکی از عوارض تعطیل دانشگاهها برشمرده می‌شود) مرکز «بنام جذب نیرو» تشکیل شد. هدف‌های این مرکز چنین اعلام شد: «دفتر جذب نیرو که از طرف دانشجویان باز شده ... برای جذب دانشجویان است. البته (ما امیدواریم) که به‌این ترتیب همه دانشجویان جذب بشوند و این امری است که ما باید بدان یقین داشته باشیم».

# کارگران همه جای کشور، جبهه است کارخانه گیوار:

مهمترین خواست ما راه‌افتادن مجدد کارخانه است  
در کار تشکیل سندیکا کارکنی منگرمده ولی سندیکا تشکیل شد و کارهای زبانی هم انجام داده  
دولت باید هر چه زودتر قانون شوراهای کارخانه‌ها را روغن کند

کارخانه بیروقیل سازی گیوار (تهران) دارای ۲۲۰ کارگر و ۳۸ کارمند است. از نظر مواد اولیه این کارخانه به‌طور عمده وابسته به خارج است و مواد اولیه آن از کشورهای ژاپن، انگلستان و... تأمین می‌شود. بعد از تحریم اقتصادی، مواد اولیه این کارخانه از طریق دلالان بین‌المللی خریداری شده است. در صورت گسترش و افزایش تولید، کارخانه‌های ذوب‌آهن اصفهان و نورد اهواز می‌توانند مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های بیروقیل سازی را تأمین کنند و این کارخانه و دیگر کارخانه‌های بیروقیل سازی کشور را خودکفا کنند. این کارخانه از اوایل آذرماه اسفند به علت نبودن مواد اولیه تعطیل شده است. دبیر سندیکای کارگران در این مورد می‌گوید:

پس از انقلاب، در اثر کوشش کارگران، ۳۵٪ به تولید این کارخانه اضافه شد و به این علت مواد اولیه ذخیره این کارخانه سرپا صرف و تمام شد. مواد اولیه خریداری شده هم به علت شروع جنگ به موقع به کارخانه نرسید و کارخانه تعطیل شد. ولی هر موقع که مواد اولیه برسد، کارخانه شروع به کار خواهد کرد.

۴۹٪ سهام این کارخانه دولتی و بقیه آن متعلق به بخش خصوصی است. پیش از انقلاب مقداری از سهام این کارخانه از طرف سهام داران خصوصی به کارگران فروخته شده است. یکی از کارگران در این مورد می‌گوید:

"فروش سهام کارخانه از طرف آن‌ها برای جمع کردن پول کارگران در دست

خودشان بود. سهمی کمی ما فروختند، هیچ ارزشی نداشت. سرمایه دار سهمش را می‌برد و چند برابرش از بانک وام می‌گرفت. ولی سهم کارگرا هیچ فایده‌ای نداشت."

از ۱/۵ سال پیش، کارگران این کارخانه سندیکای خود را تشکیل داده‌اند. دبیر سندیکا در مورد چگونگی تشکیل سندیکا می‌گوید:

"برای تشکیل سندیکای حمت‌فراوان کشیدیم. عده‌ای از بیسوادی کارگران استفاده می‌کردند و تقلب می‌کردند و در کار تشکیل سندیکا کارکنی می‌کردند. ولی سندیکای تشکیل شد کارهای زیادی هم تا به حال انجام داده است، از جمله:

- ۱) گرفتن سه میلیون تومان وام برای کارگران.
- ۲) گرفتن اضافه حقوق برای کارگران طبق قانون وزارت کار.
- ۳) مجانی کردن ناهار و یکتاوخ کردن ناهار خوری کارگران و کارمندان.
- ۴) گرفتن سود ویژه تا قبل از لغو آن برای کارگران.
- ۵) تأمین وسایل ایمنی کار برای کارگران و کارهای دیگر.

ولیکن هنوز از نظر بهداشتی وضع کارگاهها خوب نیست، که این را هم، اگر کارخانه را می‌بفشد، درست می‌کنیم." در جواب این سؤال که: "آیا در صد هشتاد که شورایی تشکیل بدید یا نه؟" یکی دیگر از نمایندگان کارگران می‌گوید:

"اسم مهم نیست، مهم عملکرد است و برای همین ما منتظریم تا قانون شوراهای

## کارگران انبار چیت مازندران: باید وسایل ایمنی و رفاهی را تأمین کرد

### کارگران می‌گویند: ما کارگران برای اینکه کشور را حفظ کنیم یاباید در جبهه بجنگیم یا در محل کار، تولید را بالا ببریم

در انبار چیت مازندران (تهران) ۲۲ کارگر کامیون‌های حامل پارچه‌های تولید شده در کارخانجات نساجی مازندران را تخلیه می‌کنند و کامیون‌های زاکه به فروشگاه‌های تهران پارچه می‌رسانند، بارگیری می‌کنند. اکثر کارگران این انبار، پس از انقلاب رسمی شده‌اند و چهره‌های جوان در میان آن‌ها بسیار دیده می‌شود. میزان حقوق ماهیانه کارگران به‌طور متوسط ۲۸۰۰ تومان است و همگی دارای دفترچه بیمه هستند.

کارگران این انبار همچون دیگر بخش‌های طبقه کارگر، با جان و دل کار می‌کنند و از هیچ کوششی برای پیشبرد اهداف انقلاب مضایقت ندارند. کافیت یادآور شوم که همین کارگران پیش از انقلاب روزانه فقط دو کامیون بار تخلیه می‌کردند، در حالی که اکنون روزانه ۱۷ کامیون بار تخلیه می‌کنند. یکی از کارگران در این مورد می‌گوید:

"پیش از انقلاب کارگران چندان مایل به کار کردن نبودند، ولی الان با وجودی که شرایط کار تغییر چندانی نکرده، ولی کارگران اگر تا ساعت ۸ شب هم کامیون به انبار بیاید، کار را متوقف نمی‌کنند."

شرایط سنگین و طاقت‌فرسا از خصمه‌های کار در انبار است. ظرف دو سال گذشته ۳ تن از کارگران این انبار در اثر نبودن بار سنگین تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند. انبار، به‌جز چند وسیله اولیه برای اطفاء حریق فاقد امکانات دیگر ایمنی و رفاهی است. فضای انبار، با وجود

چند هواکش، غرق در ذرات گرد و غبار است. کارگران می‌گویند:

"باستان‌ها گرد و غبار آنچنان زیاد است که نفس کشیدن در انبار ممکن نیست."

سال گذشته به کارگران این انبار لباس مخصوص کار دادند، ولی اسفند از آن خبری نیست. از همین رو کارگران لباس‌های نامناسبی دارند و فاقد کفش ایمنی هستند. آنان به علت نداشتن ناهار خوری مجبورند ناهار با خود از خانه به محل کار بیاورند. کارگران از سرویس رفت و آمد نیز بی‌بهره‌اند. بسیاری از کارگران روزانه تا ۴ ساعت برای رفت و آمد وقت صرف می‌کنند. راننده لیفترا انبار می‌گوید:

سرویس رفت و آمد خواستیم، به ما گفتند: خانه‌های کارگران در سطح تهران پراکنده است و وجود سرویس رفت و آمد امکان‌پذیر نیست. من پیشنهاد کردم که صبح‌ها یک مینی‌بوس برای مدت ۲ ساعت در اختیار بگذارند، تا تمام کارگران را به محل کاریابورم نمی‌خواهم."

ولی قبول نکردند. حقوق اضافی هم وی در باره جنگ و موقعیت کنونی کشور می‌گوید:

"این در خصلت انقلاب ما است. کتا آخر در مقابل دشمنان ما ایستادیم. در جنگ با دشمنان اصلی ما آمریکا است. ما هم جز همراهی در دست آمریکا نیست. آمریکا دو کشور را به‌جای ما انداخته و خودش سود می‌برد. ما کارگران برای این کشور را حفظ کنیم، باید در جبهه بجنگیم و یاد راحل

## طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، تو مهم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیش قدم است!

# دستفروشی: صور تکی بر چهره زشت بیکاری

از نیروی انبوه دست‌فروشان در بازسازی رسته اقتصادی کشور استفاده کنیم!

یکی از مشکلات مهم اجتماعی و اقتصادی کشور ما، مسئله بیکاری است. بیکاری از مسرات‌های شوم رژیم طاغوت است و آثار آن پیرای انقلاب نمایان تر شده است. با پیروزی انقلاب، بر اثر توطئه‌های عوامل وابسته امپریالیسم و جیره‌خواران رژیم طاغوت، برانسیه عظیم بیکاران افزوده شد. عده زیادی از بیکاران کشور برای تأمین مایحتاج زندگی مجبور شدند به مشاغل کاذبی چون دست‌فروشی روی آورند. این دست‌فروشان بیشتر از دهقانان بی‌زمین هستند، که به علت فقر شدید، مجبور به مهاجرت به شهرها شده‌اند. در کنار این‌ها، گروهی از کارگران موسسات، کارخانه‌ها و کارگاه‌های ورشکسته و تعطیل شده نیز هستند. دست‌فروشان به علت نداشتن کار ثابت، کمی درآمد و گرانی مایحتاج زندگی، شرایط سختی را تحمل می‌کنند. دست‌فروشان زنجان نیز از این جمله‌اند. با تکی چند تن از آن‌ها به گفتگوی نشینیم. حسن هفده ساله، که خانواده او به علت نداشتن زمین از روستای "سلطان رود" به "زنجان" مهاجرت کرده است. سیکار فروشی می‌کند. می‌گوید:

"باید زندگی را تأمین کنم، مجبورم از صبح تا عصر دست‌فروشی کنم. آخر کار دیگری ندارم. بعضی از مواقع کار نیست و درآمدی نداریم. در بهترین حالت، درآمد روزانه‌ام بیست و پنج تومان است. گرانی مایحتاج زندگی فشار بیش از حدی به ما وارد می‌کند و سطح زندگی ما را پایین آورده است. از این کار راضی نیستم و امیدوارم دولت برای ما کار ثابت و شرافتمندانه‌ای تهیه کند."

حسن تا کلاس چهارم ابتدایی درس خوانده و بعد اجباراً ترک تحصیل کرده است.

درباره انقلاب می‌گوید:

"ماحتما در مقابله با آمریکا پیروز خواهیم شد. باید که از دست‌فروشان به صحبت می‌نشینیم. نامش "اللهیار" است و از روستاهای اطراف آمده است. او لباس‌های دست دوم می‌فروشد. وی می‌گوید:

"هشت سال است دست‌فروشی می‌کنم و روزی پنجاه الی صد تومان بیشتر درآمد ندارم. چون گرانی می‌گوید و تورم جنبه عمومی و

## قالی بافان باید از مزایای بیمه برخوردار شوند

در شهرستان آشتیان عده زیادی از زنان و دختران به کار قالی بافی اشتغال دارند. حدود ۹۵٪ آنها، قالی را برای ما حب کار می‌فروشند و در مقابل دستمزدی دریافت می‌کنند. در آرای فروش هر قالی حدود هشتاد تا صد هزار ریال عاید صاحب کار می‌شود، و حتی گاهی اوقات، که با زارداغ تراست، سود بیشتری نصیب او می‌شود.

از یکی از قالی بافان پرسیدیم: "چرا با گرفتن وام از دولت، خود اقدام به این کار نمی‌کنید، تا سود بیشتری نصیب شما شود؟" او گفت:

"سال گذشته به ما وام می‌دادند، ولی کمتر کسی وام گرفت. علت آنست که تنها وام دردمارادوانی می‌کند، بلکه تهیه مواد اولیه برای مادشوار است. برای اینکه کار ما باید یک نفر در شهر در جستجوی آن مواد باشد و اینکار از عهده ما بر نمی‌آید. همچنین چون مواد اولیه را به‌طور عمده نمی‌خریم، از این جهت برای ما گران تمام می‌شود. در مقابل چون ما حب کار همیشه جنس را بصورت عمده می‌خریم، برای ما و از آن تر تمام می‌شود."

مشکلات عمده قالی بافان عبارتند از:

- ۱- مشکل تهیه مواد اولیه (دار قالی - خامه چینی)،
- ۲- گران تمام شدن قیمت مواد اولیه برای آنها،
- ۳- مسئله فروش قالی به بازار ایران و ودلان،
- ۴- مسئله بیمه،
- ۵- نداشتن پزشک متخصص در شهر و روستاهای اطراف،

قرا رگرفتن زیر پوش بیمه، برای قالی بافان، یکی از مهم‌ترین مسائل است. بیشتر قالی بافان چون در محیط‌های غیر بهداشتی کار می‌کنند، به‌بیماری‌هایی چون امراض ریوی و چشمی دچار می‌شوند. باید همه این وضعیت‌ها را از مزایای بیمه و سایر مزایای قانونی بهره‌مند شوند.

ویژه  
روستاهای  
استان فارس

# دهقانان فارس از کار هیئت هفت نفری راضی هستند

## می توان صدها هکتار زمین را زیر کشت برد



عبدالله مجیدی (ایرقد - فارس)

دولت می تواند به تلمبه و وسایل کشاورزی و کود بدهد، تا بتوانیم زمین های بایر را آباد کنیم. در محل ماکم آبی مشکل اساسی است، در صورت وجود تلمبه، می توان صدها هکتار زمین را زیر کشت برد.

عبدالله در مورد حمله صدام و توطئه های آمریکا می گوید:

"توطئه های آمریکا و ضد انقلاب بیشترین صدمه ها را به ما زده است. باید ضد انقلاب را سرکوب کرد. مردم باید با دولت همکاری کنند، تا کسی نتواند آشوب کند. وحدت همه مردم برای مقابله با آمریکا لازم است. ما نباید بگذاریم یک وجب از خاک ایران را آمریکا و عراق بگیرند."

### امام خمینی: به کشاورزان بگوئید مانع قدرار فتودار هستیم

## استقبال گرم دهقانان سرگدار - داراب از اقدامات هیئت هفت نفری

شده میوه اهالی سرگدار و اگذار گردیده است، تکلیف احشام در آنها مجتمع شوند. برای آنها یک حلقه چاه عمیق نیز در نظر گرفته اند.

این عمل مثبت هیئت هفت نفری با استقبال گرم اهالی روبرو شده است. اهالی می گویند:

چون همه مادرین حال کشفل دامداری را رها نمی کنیم، بکار کشاورزی علاقه داریم و به آن آشنا هستیم، از هیئت هفت نفری تقاضای واگذاری اراضی بیشتری داریم، تا بتوانیم هم علوفه دام ها و هم گندم و جو تولید کنیم. تاکنون حدود ۸۰ خانوار مادگی خود را برای ساکن شدن در منطقه واگذاری اعلام کرده اند. اهالی سرگدار پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند. هیئت انقلابی، بخصوص هیئت هفت نفری هستند و تاکنون ۳۰ راس گوسفند و چندین هزار تومان پول به جنگ زدگان کمک کرده اند.

اهالی منطقه احشام دزدون به علت داشتن چشمه، چاه بنه میهند. داشتن چاه همیشه همانجا ساکن هستند. مناطق احشام چاله و دیگو هر کدام با حدود ۴۰ خانوار از دیگر احشام بزرگتر است. محل های مسکونی منطقه سرگدار در حقیقت عبارت است از فقط تعدادی خانه های گلی و دیگر هیچ. عده دام ها حدود ده هزار راس گوسفند است. تعدادی از اهالی دارای باغ های انگور، انجیر و بادام دیمی هستند. تا مین آب برای آشامدن اهالی و شرب دام ها یکی از بزرگ ترین مشکلات اهالی سرگدار است.

حدود ۲۵۰ هکتار از اراضی در منطقه بنه کلاغی (در شمال منطقه احشام چاله) که هم دارای منبع آب زیرزمینی است، هم خاکش مساعد کشاورزی است و هم اطراف آن مرتع است، توسط هیئت هفت نفری واگذاری زمین ملی

## دامپروری و دامپریشکی «فسا» به یاری بیشتری نیاز دارد

امکانات واکسن و وسیله نقلیه و جهاد را از نظر امکانات دارویی مجهز کنیم، تا لااقل در مورد بهداشت و درمان دام ها مشکلات کمتری داشته باشیم. اگر بانک کشاورزی در مورد مشکل پرداخت وام با جهاد سازندگی همکاری لازم می داشت، می شک مسئله پرداخت وام هم صورت بهتری پیدا می کرد. آنچه مسلم است همکاری بانک کشاورزی و جهاد ضروری است، تا پرداخت وام هم از آن شکلی که تا بحال بوده میروند بد و حالت مردمی تری بخود بگیرد و نیازها معیار کار باشد نه رابطه.

ندارند. برای اثبات این ادعای توان از دامداران خود میمانظر خواهی بعمل آورد.

مشکل اساسی دیگر دامداران این منطقه، کمبود دارو و واکسن است. با تکیه بر همکاری خیلی نزدیک دام پریشکی و جهاد سازندگی و فعالیت هر دو در جهت رفع کمبود ها، می توان کمبود دارو و واکسن را مرتفع ساخت. عملا ثابت شده است که برای رفع مشکل دامداران از نظر بهداشت و درمان، همکاری هر چه بیشتر جهاد و دامپریشکی لازم است باید دامپریشکی را از نظر

## زمینهای بزرگ مالکان «تنگ خشک» را به روستائیان می چیز و اگذار کنید

در نزدیکی سیوند (واقع در ۲۰ کیلومتری مرودشت فارس) روستایی به نام تنگ خشک قرار دارد، که از بسیاری وسایل رفاهی محروم است. مهم تر از آن این که، ۵۰-۴۰ خانوار آن بدون زمین هستند و برای مالکان بزرگ رعیتی و چوپانی می کنند. این روستا در حدود ۵۰۰ هکتار زمین دارد، که در دست مالکان بزرگ متمرکز شده است. یک بزرگ مالک طاغوتی و غاصب معروف، درخت های روستایان را از بین برد و تبدیل به باصطلاح کشت مکانیزه کرد. او خانه و کاشانه عشا بر را بر سرشان ویران کرد و آن ها را به چوپان و رعیت و محتاجان خود بدل نمود.

یکی از دهقانان تنگ خشک می گفت: "ما احتیاج به زمین داریم. مالکها همه زحمت ها را به ما می دهند. زمین نمی دهند."

به جاست که هیئت واگذاری زمین مرودشت، به زندگی بی باعیت این کوخشینان توجه لازم را داشته باشد. واگذاری زمین به دهقانان تهنی دست تقویت پشت جبهه است.

بزرگ مالکان این روستا نه تنها در این ده، بلکه در بیشتر نقاط فارس زمین و باغ و گلگه دارند. زمین های سرفقات، گزرد، جنزیبگی، لپوک، پوز، مهاجر، بالای دشت بال و از دشت بال تا سیوند متعلق به همین مالکان است. آن ها هم چنین در شیراز در کوک، در مهبون، در سرحد، در کربال فارس زمین دارند. روستائیان واقعا چشم انتظارند و می خواهند که هیئت به آن ها برسد و حق غصب شده آن ها را از غاصبان (مالکان بزرگ و فتودال ها) پس بگیرد. با واگذاری زمین هم حق به قدرار خواهد رسید و هم ستون پنجم امپریالیسم تضعیف و ریشه کن خواهد شد.

## درست نصف زمین های روستای دوقلوی کریم آباد و محمد آباد داراب، در دست بزرگ مالکان است

روستای کریم آباد تقریباً ۹۰ هکتار زمین دارد که ۴۵ هکتار آن متعلق به پانزده نفر دهقان و ۴۵ هکتار دیگر فقط متعلق به یک مالک است که دارای باغ و زمین در مناطق دیگر نیز هست.

روستای محمد آباد تقریباً ۱۲۰ هکتار زمین دارد، که ۶۰ هکتار آن متعلق به ۱۲ نفر دهقان و ۶۰ هکتار دیگر متعلق به یک مالک است. غصه های از دهقانها بر روی اراضی دو بزرگ مالک کار می کنند و سهم آنها فقط یک دهم محصول است. عده ای از خوش نشین های این دو روستا در کوره های آجری نزدیک روستا کار می کنند و سهم بجز کار موقت در داراب و دیگر نواحی، برای پیدا کردن لقمه ای نان هیچ کار و کسبی ندارند.

اجرای بند "ج" در این دو روستا خواست اساسی مردم زحمتکش آن و منطق با اهداف انقلاب شکوهمند خد امپریالیستی و مردمی مردم قهرمان ایران است.

این دو روستا در فاصله چهار کیلومتری جنوب غربی داراب در حاشیه جنوب غربی کوه پهنه قرار گرفته است. جمعیت حدود ۵۰۰ نفر (غیر از توسط جهاد سازندگی جاده های ساخته شده، که پس از عبور از روستا های اکبر آباد و محمد آباد به چند روستای دیگر از قریل عباس آباد و دنگان و غیره می رسد. این دو روستا تقریباً بهم متصل هستند و در داشتن مدرسه و حسینیه و مسجد باهم مشترکند. جمعیت روستای محمد آباد و نیز وسعت زمین های آن از کریم آباد بیشتر است. اخیراً توسط جهاد سازندگی یک حلقه چاه برای آب شامی در روستا حفر گردیده. اهالی این دو روستا حمام ندارند و بی صبرانه در انتظار اتمام کار حفر چاه و لوله کشی هستند. تفاوت و عدم اشتراک دو روستا در اسامی فتودال ها و بزرگ زمین داران آنها است. این دو روستا یکی از پر آب ترین و حاصلخیزترین روستاهای منطقه داراب است.

## جهاد سازندگی و اقدامات هیئت هفت نفری

"دودج" در مسیر خرما - شیراز و در نزدیکی روستای "داربون" واقع شده است. اکثریت اهالی روستا کشاورزند و تعداد کمی دامپروری می کنند. شورای ده تشکیل شده و چهار نفر مسئولیت انجام امور را برعهده گرفته اند. جهاد سازندگی چند طرح آبرسانی، شن ریزی ساختمان دبیرستان، ایجا دکتا بخانه، ایجا دو کانال آبرفتی و ... را اجرا کرده است.

واحد خدمات کشاورزی وابسته به جهاد سازندگی تا کنون اقداماتی به نفع اهالی زحمتکش کرده است. در اختیار گذاشتن سه دستگاه اکتور با وسایل مربوطه، بخش کود شیمیایی بین کشاورزان شخم زدن و دیسک و مرز بندی در حدود هزار هکتار زمین از جمله فعالیت های مردمی این واحد بوده است.

هیئت هفت نفری واگذاری زمین در حدود ۶۰۰ هکتار زمین بین ۱۲۰ نفر از اهالی، که به گروه های ۱۲ نفری تقسیم شده اند، واگذار کرده است.

روستائیان برای مداوای بیماران خود ناچارند به خرما یا شیراز بروند. روستائیان از اقدامات مفید و مردمی جهاد و هیئت راضی اند و خواستار گسترش فعالیت این نهاد های انقلابی هستند.

## برای نجات کشاورزی منطقه ششده قره بلاغ در منطقه

فسا - فارس بکوشیم

فکری به حال کشاورزان این سرزمین نشود، خسارات زیادی را به دنبال خواهد داشت. در این منطقه هیچ سیستم آبیاری وجود ندارد، که اگر سیستم پمپ های دیزلی وجود داشته باشد، می توان آبیاری را برای کشاورزی آن در شرف ناپودی است. این ناپودی هم مولود کمبود مواد سوختی برای تعداد زیادی از تلمبه های این دیار است. اگر به زودی

حمله دمدستانه رژیم صدام، با حمایت پشتیبانی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، وارتجاع منطقه به نقاط نفت خیز کشورمان، بار سنگینی از مشکلات اقتصادی، سردوش زحمتکشان کشورمان گذاشته شده است. این مسئله مخصوصاً از نظر مواد سوختی جهت مصارف کشاورزی حائز اهمیت است. زیرا کشاورزان مناطق کم آب، با

نامه سرگشاده...

بقیه از صفحه ۳

میردازیم و بر خودمان روشن کنیم. (دکتر سروش - سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی، جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۲۸)

واضوی دانشجویان عضو "دکتر جذب نیرو" چنین گفته شد:

"ما در درجه اول با توجه به امکاناتی که خودمان داریم، فقط بعنوان یک جمع دانشجویی آن برادران و خواهران را به کار میگیریم که این حرکت را قبول داشتند و ولی باز آدمهایی نبودیم که به قول معروف دگم باشیم و همرا باواهییم کنار بگذاریم. در نظرمان هست، حتی طرحی داریم، که اگر امکانات بدست بیآوریم، همه افراد به کار گرفته شوند و واقعاً در جهت خدمت به جامعه کار کنند." (اطلاعات، ۱۳۵۹/۴/۱)

و چندی بعد نیز، در اطلاعیه "ستاد انقلاب فرهنگی" - مورخ ۱۳۵۹/۶/۱۶ - چنین اعلام شد: "ستاد جهاد دانشگاهی از ابتدای فعالیت خود بطور پیگیر به دنبال تهیه طرح استفاده از نیروهای دانشگاهی و برنامهریزی برای به کارگیری هر چه بیشتر و سریعتر این نیروها بوده است... اکنون در اولین مرحله برای این گروه از دانشجویان فنی طرحهای اجرایی تهیه کرده ایم... بعلاوه نیاز مملکت به امور خدماتی، درمانی، فنی و اداری این طرحها بتدریج کلیه دانشجویان را در زور پوشش قرار خواهند داد." (اطلاعات ۱۳۵۹/۶/۱۶)

این اظهار نظرها در ابتدا بسیار امیدوارکننده بود و حکایت از این واقعیتی می کرد که مسئولین "انقلاب فرهنگی" و دست اندرکاران آن نیز به خطرات ناشی از تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی، از جمله به کار بردن نیروی اصلی ده هزار نفری دانشجویان زود کادر علمی و نیز از کاندیدن امکانات علمی و فنی مراکز آموزش عالی توجه دارند. نکته آن است که به کارگیری همه نیروها ماهی دگرگونی و تودیع بخش شروع فعالیت فارغ از تک تک نظری و انحصار طلبی و قشری گری و مبتنی بر درک و واقعات جامعه بود.

براین اساس و نیز بر مبنای نیاز حیاتی جامعه به بهره گیری از امکانات مادی و انسانی مراکز آموزش عالی، ما از همه دانشجویان عضو و هوادار خود خواستیم، تا تلاش بهیچ دریغ خویش را در خدمت نهادهای تعیین شده از سوی شورای انقلاب فرهنگی "نظیر جهاد دانشگاهی"، "جذب نیرو" و... قرار دهند.

متأسفانه، برخلاف ادعاهای اولیه، نه تنها از نیروی دانشجویان عضو و هوادار سازمان ما، بلکه از نیروی بخش عظیمی از دیگر دانشجویان شرقی و معتقد به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیز استفاده نشد. انحصار طلبی برخی مسئولین و دست اندرکاران "انقلاب فرهنگی"، که کویا به اهمیت بسیج همه نیروهای دانشجویی در خدمت انجام دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی و نیز در خدمت بازسازی جامعه پی نبرده، تنها بر اساس مبارزات تنگ نظرانه به گریز کردن دانشجویان مشغول بودند، عامل این عدم جذب نیروی بخش قابل توجهی از دانشجویان مومن به انقلاب است.

تعطیل برنامه دانشگاهها و مراکز کادر شدن دانشجویان و عدم کارایی کافی نهادهای "جذب نیرو" در بسیج آنان، به علاوه عوامل ذکر شده، در بالا، دست بدست هم داد و موجب آن شد که "جذب نیرو" دانشجویان به اعتراف خود دست اندرکاران این امر، با عدم موفقیت مواجه شد.

بمطابق ما، طرح "جذب نیرو" استفاده از نیروی عظیم و سازمانده شده دانشجویان برای سازندگی و مبارزتی خدمت به زحمتکشان، در صورتی می تواند موفق باشد که:

۱- دانشگاهها و مدارس عالی کنونی شوند و مسئولین امر را بسنج نیروی متراکز در مراکز آموزش عالی و برنامه ریزی مستر، آنها را در رشتف های کارگوان به کار گیرند.

۲- مبارز برای جذب نیرو، نه مبارزهای عقیدتی، بلکه مبارز انقلابی و ضد انقلابی باشد، زیرا هم اکنون نیرو-

از: «پرسش و پاسخ» (ار ۱۲۰۹)

نورالدین کیانوری

روند انقلاب و مبارزه توده های زحمتکش و دمکراتیک جامعه پدیده های انحصار طلبانه و قهرایی را از میان بر خواهد داشت

گرایش های مثبت سیاست خارجی، چنانکه موصوفیگری ایران در کنفرانس کشورهای غیر متبذ نشان داد، بدون نوسان نیست.

یعنی مبارزه با امپریالیسم، صدمه نرند. حالا ممکن است که دوران طولانی مجبور به تحمل چنین محرومیت های باشیم. همانطور که در اسناد حزب هم آمده است، حتی امکان دارد که راستگرایی و محدودیتها از این نیز شدیدتر شود. تنها با مبارزه وسیع توده های طرف نیروهای آگاه جامعه میتوان حقوق موجود را تثبیت کرد و حتی گسترش داد.

س: موصوفیگری های ایران در کنفرانس کشورهای غیر متبذ، در مقایسه با گام های مثبتی که در سیاست خارجی ایران پیش از تشکیل این کنفرانس برداشته شده بود، گامی بود بمعقب و شکست انگیز. نظر شما در این باره چیست؟

ج: همانطور که بارها گفته ایم، یکی از ویژگی های حاکمیت کونی همیشه تنگ نظری انحصار طلبانه در زمینه شناخت نیروهای دوست و دشمن انقلاب ایران بوده است.

آنچه که در این زمینه در این اواخر نمایان بوده است، نظمی پدید آمدن های ریش است. رشد این نظمی کشف خواهد بود، بلکه گرایش است در خطی منکر. یعنی ممکن است موانع تازه ای در راه رشد این نظمی پدید آید. چه از طرف نیروهای ارتجاعی و ضد انقلاب و چه بر اثر ترمزهای درونی حاکمیت.

ما در عین اینکه نباید دچار خوش بینی بیش از حد بشویم، نباید به وحشت بیافتیم. اگر فکر کنیم موضع ایران در زمینه سیاست خارجی بزودی مثل سوریه، لیبی، الجزایر، کوبا، آنکولا، بوزامبیک و ویتنام خواهد شد، شناخت نا دقیقتی از واقعیت انقلاب ایران و نیروهای انقلابی موجود داریم. در عین حال، با تجربه انقلابی ما داریم، این نوع عقب گردها را باید قانونمندانه بدانیم و دچار هراس نشویم. ما به نقطه مثبت بیش از چنین عقب گردهایی اهمیت می دهیم.

س: در دو سال اخیر حزب توده ایران پشتیبانی صادقانه خود را از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به ثبوت رسانیده است. با توجه به این واقعیت، نظر شما درباره اینکه بارهای از رفقای ما نیز در ادارات و دیگر نهادها، به همراه عناصر ضد انقلابی و ساواکی، اخراج شده اند، چیست؟

ج: در انقلاب ضدا امپریالیستی و خلقی، که در ایران انجام گرفت، طیف وسیعی از نیروها شرکت داشت. برخی از این نیروها، به اقتضای ماهیت طبقاتی خود اینک از انقلاب رویگردان شده اند و در راه سازش با امپریالیسم و برگرداندن دستاوردهای انقلاب قدم برمی دارند. برخی دیگر در مواضع ضدا امپریالیستی و واحدی خلقی باقی مانده اند، ولی دارای ویژگی های طبقاتی دوگانه خرد روزرواری هستند. یعنی، از یک طرف تمایلات جدی انقلابی دارند و از طرف دیگر دارای گرایش های جدی محافظه کارانه و در مواردی حتی قهرایی و ارتجاعی هستند. قدرت حاکمه هم بدست بخش قابل ملاحظه ای از نیروهای اخیر افتاده است.

انعکاس این دوگانگی را در وزارتخانهها و ادارات می بینیم. از یک طرف، تصمیمات جدی در فلان وزارتخانه بنفع محرومان جامعه گرفته میشود. این تصمیمات حتی برخی اوقات علیه نیروهای ارتجاعی است، که زیر پرچم "اسلام" مانع از تغییرات بنیادی هستند. از طرف دیگر، در عین حال از شریف ترین عناصر، که در همین جنبه "آساده" مبارزه دارند، انتقام جویی میشود. بدلیل آنکه نظراتی غیر از نظرات آنها دارند و هوادار حزب توده ایران و یا عقاید مشابه هستند.

ما این دوگانگی طبقاتی را با توجیه و "می بیروم - بتو میبری" نمی توانیم تغییر بدهیم. این تجربه اندوزی تاریخی و مبارزه توده های زحمتکش و نیروهای دمکراتیک جامعه است، که میتواند این وضع را بتدریج تغییر دهد.

ما در همه زمینه ها، در چارچوب همگامی، که با انقلاب داریم، یعنی در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم و برای تأمین آزادی های دمکراتیک و دگرگونی های اجتماعی، باید با چنین پدیده های ارتجاعی، قهرایی، و انحصار طلبانه و حتی در مواردی فاتیسم گرایانه مقابله کنیم. نباید در اتحاد با دیگر نیروها در محاصره این روشها بکوشیم. مبارزه ضدا امپریالیستی جنبه متحد خلقی باید همچنان تمام با مبارزه با چنین پدیده های باشد. البته در حیطه امکانات ما و در حدودی، که به جهت اصلی مبارزه ما،

شود. فی الحقیقه شاخه روابط دانشگاهی و صنایع ملی و فنی که فرضا می رود تولید یک کارخانه ای را... بالا ببرد یا راه می اندازد. برادرهای ما می روند فقط کارخانه را راه اندازی می کنند. چون کارخانیک ظرفیت محدودی برای پذیرش کارگر دارد. اگر امکانات باشد، ما این برنامه را پیاده نکنیم، به کارهای جامعه هم به کار گرفته خواهند شد. کارخانه چند واحدش را هم شروع کردیم برای راه اندازی کارخانه ها. این کارخانه ها که به راه می افتند می توانند دیپلمه های بیگار را هم جذب کنند. (مصاحبه با دانشجویان عضو کمیته "جذب نیرو" - اطلاعات ۱۳۵۹/۴/۱)

این سخنان، که دال بر نیت خوب گویندگان آن است، بعدها به دلایل مختلف نتوانست در عمل بطور موثر پیاده شود، چنانکه چهار ماه بعد دانشجویان عضو "ستاد انقلاب فرهنگی" در مصاحبه ای چنین گفتند:

"کمیته ارتباط صنایع البته هنوز تشکیل نشده، ولی دریافتند نزدیک انشاء الله تشکیل می شود." (جمهوری اسلامی - ۵۹/۸/۱)

به نظر ما نه سهل انگاری و احیاناً سستی مسئولین "جذب نیرو"، که مسبب بودن فقدان برنامه دقیق و واقع بنانه نبودن امکانات کافی انسانی و مادی برای اجرای آن - و از جمله عدم استفاده از بخشی از نیروی کارآمد در این زمینه - هابه دلیل معیارهای تنگ نظرانه و نیز کارکنی ضد انقلاب و لیبرالها و قاطعیت و همکاری برخی مسئولین اجرائی از جمله علل این عدم موفقیت است. حال آنکه در شرایط بازگشایی مراکز آموزشی عالی، علاوه بر آنکه بخشی از دیپلمه های پشت کتور جذب این مرکز خواهند شد، امکان بسیج نیروی قریب به ۲۰۰ هزار نفری دانشجویان و دانشگاهی برای جذب دیپلمه های بیگار ممکن تر و واقع بنانه تر خواهد بود.

طی مدتی که از تعطیل دانشگاهها و مراکز آموزشی عالی می گذرد، به غیر از موارد اندکی که "جهاد دانشگاهی" یا "جهاد سازندگی" از امکانات فنی و آزمایشگاهی این مراکز استفاده کردند و به جز موارد اندکی که برخی پروژه های ناتمام بیگیری شد و با تمام رسید (از جمله دردانشکده پلی تکنیک) استفاده قابل توجهی از امکانات عظیم علمی، فنی و آزمایشگاهی دانشگاهها و مدارس عالی انجام نگرفته است. در حالی که کارگام

که هم اکنون قریب به ۸ ماه از گفته فوق می گذرد. و با: "ما با ایلیم هر چه می شود تعطیل دانشگاهها را کویا متراکم می بینی رغبتی به طولانی تر شدن آن نداریم... کوشش هم بر این است که حتی المقدور مدت توقف دانشگاهها کوتاه تر باشد." (دکتر سروش - سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۴/۱۴)

یاد دانشگاهمانی توانست مدت زیادی تعطیل بمانند. با توجه به اینکه در حال تعطیل دانشگاهها باید تغییر سیستم صورت گیرد، لذا باید خیلی سریع به سازماندهی دانشگاهها بپردازیم تا زودتر دانشگاههای ما آغاز به کار کنند." (دکتر باهنر - عضو شورای انقلاب فرهنگی، صبح آزادگان ۵۹/۴/۸)

ولی، علیرغم همین گفته های امیدبخش، نه تنها تاکنون چشم انداز گشایش دانشگاهها و مدارس عالی به روشنی ترسیم نگردیده، بلکه ما با نظریاتی به گوش می رسد که بر ابهام در این امر می افزاید و بر فقدان برنامه تصریح می کند:

"این هم در کی بازمی شود، البته تا اول مهر دیگر ماکرمی کنیم که دانشگاهها حتماً بسته است و از آن به بعد، یعنی امکان داره بیگیری رشتف های قومی که بر برنامه ریزی آنجانی احتیاج و به اصطلاحی خواسته آن خیلی گاریکند و تغییر و تحول کم احتیاج داشته اون را بواش و باش شروع به باز شدن می کند و این ادامه پیدا میکند تا یک مدت بعد که معلوم نیست و دیگری دانیم که بیگیری یعنی بیگیری ماکرمی کنیم علوم انسانی شاید حالا و شاید یکی دو سال هم، به نظر من حداقل سه سال باید تعقیب بشود تا بشود یک تغییر در داخلش داد که هر درد کار بخورد." (مصاحبه با چند تن از دانشجویان دست اندرکار "انقلاب فرهنگی" - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۸/۱)

به نظر ما، این ابهام در چشم انداز گشایش دانشگاهها و بی برنامه ریزی در شرایطی که انجام هر چه سریع تر آن برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اهمیتی حیاتی دارد، نمتنها به امر دگرگونی انقلابی نظام آموزشی خلل بقیه در صفحه ۷

دورنمای گشایش مراکز آموزش عالی هم چنان ناروشن است

متأسفانه، علیرغم اهمیت بازگشایی سریع و مبتنی بر منابع و نیازهای انقلاب دانشگاهها و مدارس عالی، که بارها و بارها توسط برخی شخصیت های سیاسی و مذهبی - از جمله نقیه عالیقدر آیت الله منتظری - نیز مورد تأکید قرار گرفته، و علیرغم تشدید سواستفاده ضد انقلاب و دشمنان رنگارنگ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از مسئله دانشگاهها، تاکنون برنامه مدونی از سوی مسئولین برای بازگشایی دانشگاهها ارائه نشده است.

مسئولین "شورای انقلاب فرهنگی" بارها و بکرکرات سخنان نویدبخش زبر را بیان داشته اند که:

"نقش برنامه ریزی اکثر گروه های فعالی همراه با استادهای متمرد رشتف ها و دانشجویان باشد، ممکن است ظرف ۶ ماه بشود این برنامه ریزی را انجام داد." (دکتر سروش - سخنگوی شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۵۹/۳/۲۸) (توجه کنید

### نامه‌سواد گشاده...

بقیه از صفحه ۶  
وارد خواهد ساخت، بلکه بیامد  
های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی  
و علمی، ناگوار و مضری برای  
انقلاب و مبین انقلابی خواهد  
داشتند.

### چه باید کرد؟

به نظر ما، به منظور دگرگونی  
بنیادی در نظام آموزش عالی،  
یا آنچه که تحت عنوان «انقلاب  
فرهنگی» قریب به ۸ ماه است  
که در جامعه ما مطرح گردیده،  
دولت جمهوری اسلامی ایران باید  
به اقدامات زیرین دست یازد،  
اقداماتی که دقیقاً از نیازهای  
انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی  
ایران ناشی می‌شوند:

- ۱- مردمی کردن نظام آموزش عالی، از طریق گسترش شبکه نظام آموزش عالی، رایگان کردن آن و ایجاد تسهیلات لازم برای فرزندان خانواده‌های زحمتکش در امر تحصیل در دانشگاه و مدارس عالی.
- ۲- انطباق نظام آموزشی عالی با نیازهای مرحله کنونی رشد اجتماعی - اقتصادی کشور، از طریق:

### لایحه قصاص...

بقیه از صفحه ۱  
اختیار دارد.  
روزگاری جامعه اولیه هر  
جرمی را با قصاص و انتقام‌پاسخ  
میگفت، تا با ایجاد رعب و هراس،  
مانع از گسترش بزهکاری شود.  
این شیوه ابتدائی مقابله با جرم  
چنانچه، تا برای تحولات اقتصادی  
و اجتماعی، جای خود را به  
بررسی علل بزهکاری و مبارزه  
این علل داد جوامع پیشرفته به  
این نتیجه منطقی رسیدند که قبل  
از آنکه بفکر قصاص و انتقام‌جویی  
باید امنیت اقتصادی، اجتماعی و  
قانونی برای افراد جامعه تامین کرد،  
باید فرهنگ و آموزش جامعه  
را متحول ساخت. بود در این شرایط  
نورین، اگر فردی مرتکب بزه  
علیه دیگری شد، به بررسی علل  
اقتصادی - اجتماعی جرم و کشف  
ریشه‌های اخلاقی و روانی مجرم  
شود و ریشه‌های فوق هر چه  
سرریز کار خود را آغاز کند.

- ۳- طرح ایجاد رشته‌های کوتاه مدت تربیت متخصصان اعلام شود و رشته‌های فوق هر چه سرریز کار خود را آغاز کند.
- ۴- منظور که آقای دکتر شریعتی برای عضو شورای انقلاب فرهنگی نیز در مساجد ۱۶/۱۱/۵۹ با روزنامه جمهوری اسلامی بیان کرده است. برنامه آموزشی پیشنهادی شورا به نظر خواهی عموم، بویژه دانشجویان و دانشگاهیان، آنگارده شود. خوشبختانه اخیراً سفیدخانه امیدبخشی دال بر گشایش هر چه زودتر دانشگاه‌های پزشکی و تربیت معلم ابراز شده، که ما مشتاقان از آن استقبال میکنیم.
- ۵- آقای رجایی، نخست وزیر، در پایان جلسه مشترک با ه تن از اعضای هیئت انقلاب فرهنگی اعلام داشته:

«... ما تلاش داریم که هر چه زودتر در رشته‌های اسلامی برنامه ریزی و پایان برسد و نحوه انتخاب دانشجویان روشن شود... امیدواریم که به محض اینکه کارهای مقدماتی انجام شود، در باز شدن آن رشته اقدام کنیم» (جمهوری اسلامی، ۱۶/۱۱/۵۹).

### دشمن واقعی، آمریکای...

بقیه از صفحه ۱  
خسینی دلخون و تکران از دست رفتن منافع نامشروع خود بود تبلیغ میکرد که نظام جدید کشور را به قهراً خواهد برد و زنان را بدون خانها خواهد راند. آنان رجوع ضد امپریالیستی و خلقی روحانیت میاز پیرو خط امام خسینی را، که ملت‌الملل ضدیتشان با نظام دست‌نشانده پهلوی بود، ناگفته میگذاشتند و بر سرچشم قهرت و تاریکی اندیشی بر آن میزدند. این تبلیغات مسموم، آفریز زمینه نداشتند و دم سرد آسان در مردمی که بهار انقلاب چنان تازه در کالبدشان دمیده بود نمی‌گرفت. باید کاری کرد که امروز و در آینده نیز زمینه‌های تبلیغات سوء دشمن خنثی شود. باید کاری کرد که دشمن نتواند با استناد به لوائح، قوانین و مصوبات جمهوری، چهره انقلاب ما را در انظار جهانیان مخ و دگرگون جلوه دهد.

جامعه بشری، در مسیر دگرگونی بنیادی خود، باین نتیجه منطقی رسید که قوانین جزا و سیستم مجازات را از مجرم دگرگون سازی، تا کیفی مجرم جنبه انتقامجویی نداشته باشد. بلکه به تربیت مجرم و هدایت و ارشاد او کمک کند. این اصل منطقی در مورد بسیاری از جرائم خصوصی، مینارکتک جرم نیست. به فرد پذیرفته شد و آنجا که منطقی‌ترین سیاست به نظر می‌رسد، مانند توطئه و کودتا علیه یک نظام خلقی، شکنجه و اذیت‌های بی‌دینان توسط یکنهاد ضد انقلابی، برافروختن ناآرامی‌ها توسط یک گروه سلطه‌گر، که خنک و خون‌میکنند، پادشاه مرگ یا حبسی سنگین برای اسیر چنانیکاران، همچنان بدترین کیفی شناخته شده است.

### تدوین و تصویب لوائحی...

نظیر «لایحه قصاص» در شان نظام جمهوری اسلامی نیست زیرا بمعنای نادیده انگاشتن ارزش انسانها و برخورد با انسان بنیادهای دین و داد است. هر جامعه متدین وظیفه دارد که در نخستین گام، زمینه مادی ارتقاگیری و روحی انسانها را فراهم آورد. تائیز مادی، عدم تعادل روحی و جسمی و محروماندن از آموزش و فرهنگ، زمینه انحراف و خطا را در آنان ایجاد و تقویت میکند. در جامعه‌های متعادل، که از سلامت برخوردار است، چنانچه کسی، علیرغم همه امکانات، مرتکب جرم و جنایت نسبت به سایر افراد جامعه شده، تازه باید به تجدید تربیت و پرداخت و نه انتقام کسی از او.

تدوین و تصویب لوائحی نظیر «لایحه قصاص» در شان نظام جمهوری اسلامی نیست زیرا بمعنای نادیده انگاشتن ارزش انسانها و برخورد با انسان بنیادهای دین و داد است. هر جامعه متدین وظیفه دارد که در نخستین گام، زمینه مادی ارتقاگیری و روحی انسانها را فراهم آورد. تائیز مادی، عدم تعادل روحی و جسمی و محروماندن از آموزش و فرهنگ، زمینه انحراف و خطا را در آنان ایجاد و تقویت میکند. در جامعه‌های متعادل، که از سلامت برخوردار است، چنانچه کسی، علیرغم همه امکانات، مرتکب جرم و جنایت نسبت به سایر افراد جامعه شده، تازه باید به تجدید تربیت و پرداخت و نه انتقام کسی از او.

### حجت‌الاسلام خاتمی، امریکای...

بقیه از صفحه ۱  
بر سر کار آمده آمریکا برای رسیدن به همان استراتژی خوش که باید دولت میانه‌روی بر سر کار بیاید که تاسیونالیستهای مخالف روحانیت در آن دولت حداکثر را داشته باشند. یا دیدن زمینه‌های مناسبی طریقه نفوذ در دولت موقت را در خط مشی و سراسر خود قرار داد و امیرانتظامها و سایرین را در دولت موقت آماده اسناد لایحه جاسوسی، این حرکت انقلابی بزرگی که پشت آمریکا را شکست همه حاکمی از همین مسئله است. وی افزود: جاسوس سفارتخانه آمریکا، امیرانتظام می‌گوید که هادی کردن روابط ایران و آمریکا باید به آهستگی پیش برود تا سوء ظن کسانی را که نظر خوبی نسبت به آمریکا ندارند برنیزیند و حساسیت‌های این بود که اگر برلنگیزد، در کار ما دخالت می‌کنند و نمی‌گذارند که ما با برزیلنسکی ملاقات کنیم. آری این چنین است مگر که خون دادمو شیک داد، چگونه می‌تواند به افرادی که چنین می‌توانند زمینه‌ساز حکومت آمریکا باشند، بعد از ۱۴ قرن تلاش، زحمت شکنجه، اسارت، بعد از ۱۴ قرن انتظار، الان ملت ما اجازه بدهد به اینکه زمینه‌های آمدن يك حکومت و يك دولت وسیله الهامی کمنافع آمریکا را: ضمیم کند (فراهم شود) ملت ما قطعاً چنین اجازهای به این افراد نخواهد داد. وی سپس با اشاره به درخواست کمک علمی، رئیس‌شاخه نظامی کودتا از آمریکا، برای انجام کودتا در همان دوران دولت موقت گفت: «(آمریکا) به او می‌گوید که ما از اینکه بیروی سازمانی دست کسی برای آینده، جلوی را نمی‌گیریم، اما فلا نیست ما اینست که می‌خواهیم روابطمان را عادی بکنیم یا دولت موقت عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران، سپس به ادامه توطئه امپریالیسم چنانیکار آمریکا در دو جهت مسخ انقلاب و نیز حمله موجه نظامی به جمهوری اسلامی ایران، اشاره کرد و توطئه بروی کار آوردن يك دولت میانه‌رو در ایران بر پایه دامن زدن به تشنجیات و ناآرامی‌ها را اقتضای کرد.

وی آنکه به جنگ تحمیلی عراق به ایران که ادامه همان توطئه‌های امپریالیست اشاره کرد و تأکید کرد: «امروز مسئله ما، مسئله جنگ است. امروز مسئله ما امریکاست و این است که باید با تمام قدرت در میدان باشیم. وی سپس به فروش اسلحه آلان به رژیم ارتجاعی عربستان و آغاز مانور نظامی کشورهای مرتجع منطقه به امریکای چنانیکار اشاره کرد و از جمله تأکید کرد که شمار اصلی شام، جنگ با امریکاست.

### گفتگوهای...

بقیه از صفحه ۱  
سلاح سخن گفته است. بگفته وی، سفیر ایالات متحده آمریکا در پاکستان، آرتور هامل، نیز برای شرکت در این مذاکرات به واشنگتن فراخوانده شده است. یکی از مقامات عالی‌رتبه وزارت خارجه آمریکا خاطرتشان ساخت که: «ما به بررسی دقیق و فوری سیاست خود در برابر پاکستان مشغولیم»

حجت‌الاسلام خاتمی، امریکای حیات فعالیت در دوران فعالیت اخلاک‌گرا که در اجتماع روز پنجشنبه زا به درگیری کشاننده، از مردم خواست که در اثنای خلبها سکوت کنند. وی افزود: در پایان مراسم هنر شمار تفرقه‌انگیز نبود امریکاست و هر فریادی که مردم را به هیجان بیاورد و دشمنی آنها را بجای آمریکا و عناصر مزدورشان به داخل ملت متوجه کند، فریاد شیطان است. امام جمعه تهران در مورد شمارها گفت: «چیز شعاع تولید و نیز شمار قدرت از امریکای غدار و هر چه در این مضمون باشد، نباید داده شود».



اعلامیه سازمان حزب توده ایران در لنگرود:

ضد انقلاب بنام سپاه پاسداران توطئه می کند

ما از مقامات مسئول میخواهیم که هرچه زودتر ضدانقلابیونی را که یا پوشیدن لباس پاسداران به فعالیتهای تخریبی میپردازند، دستگیر و خلع سلاح کنند و تحت تعقیب و مجازات قرار دهند.

سپاهین درصددند که هسریک از نهادهای اسلامی را لنگرود بکنند. مستهای خاتین درکار است. اگر در این نهاد يك کارهائی برخلاف موازین انجام بگیرد، فرصتست بدخواهان میافند و در بوق و کرنا این مطلب را بزرگ می کنند...

امریالیسم جنایتکار آمریکا، در ادامه توطئههای خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و طرح سبایس گوناگون، سرانجام مبین انقلابی ما را با تهاجم صدام تخریبی مواجه کرد. اما مقاومت و جانبازی مردم قهرمان، سرزبان، سپاهیان پاسدار و گروههای پیچ مردمی این بارهم توانست این نقشه امریالیسم جهانی، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، را با شکست روبرو کند.

اما ضدانقلاب با استفاده از این جنگ تحمیلی درصدد برهم زدن امنیت ماست. ایجاد و دامن زدن به درگیریها و تنشجات سیاسی، راهزنی، دزدی، حمله در معابر عمومی به مردم و... به منظور بهره برداری سیاسی انجام میگیرد و هدفی غیر از آماده کردن زمینه برای زدن ضربه نهائی ندارد. آخرین نمونه فعالیت ضدانقلاب در سطح شهرها و خیابانها را میتوان بصورت ضدانقلابی دید که با سوءاستفاده از لباس پاسداران و یا چهل کارت ارگانهای انقلاب، به خرابکاری مشغولند.

اخیرا روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود، اطلاعیهی در سطح شهر پخش کرده است. در این اطلاعیه،

این اشخاصی، که طبق اعلامیه سپاه پاسداران بد رستی صدی غیر از توطئه علیه انقلاب ایران و نهادهای آن از جمله سپاه پاسداران ندارند، با معرفی کردن خود بعنوان مرجع قانونی و تصمیم گیرنده، به دها عمل ضدانقلابی دست میزنند، که برخی از آنها

بشرح زیر است:
★ جلوگیری از فعالیت گروههای مدافع انقلاب ایران، از جمله هواداران حزب توده ایران، در زمینه کارهای تبلیغاتی در سطح شهر،

★ مانع از عرضه نشریات قانونی، از جمله نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران،

★ ضرب و جرح و دستگیری غیر قانونی هواداران حزب توده ایران در موقع چسباندن پوسترها و مطالب در دفاع از انقلاب ...

★ پاره نمودن نیاپشتکهای که در جهت شناساندن توطئه های امریالیسم جهانی، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، دشمنان بزرگ و پایگاههای داخلی آنها، سرمایه داران.

بزرگ، کلان زمینداران، لیبرالها، مائوئیستهای تازه مسلمان شده و ساواکیها، برپا شده است و یازده کردن تصاویر رهبر انقلاب در جلوی چشمان خیرت زده مردم. این اقدامات تخریبی و غیرقانونی، که شدیداً از جوار مردم قهرمان لنگرود را برانگیخته است، ظاهراً در لباس دفاع از انقلاب صورت میگیرد، اما در واقع هدف از آن سزیه زدن به نیروهای طرفدار خط امام خمینی و از جمله سپاه پاسداران انقلاب است.

خوشبختانه هشیاری و افشاکاری بوقع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود، متعت آنها را برای مردم مبارزشیر باز کرد و نشان داد که سپاهیان پاسدار با این اعمال ضدانقلابی مخالف هستند و عاملان آن را توطئه گر علیه انقلاب ارزیابی می کنند.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان لنگرود، پشتیبانی خود را از اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود، که پوشش بدوین اسلامی این افراد را پس زده و چهره واقعی آنها را روشن کرده، اعلام می کند. ما از مقامات مسئول، پیوسته

حجت الاسلام قاضی، نماینده امام، میخواهیم که با هشیاری و قاطعیت مواضع صحیح سپاه پاسداران را در نماز جمعه تقویت کنند و با افشای ضدانقلابیونی که در لباس سپاه پاسداران توطئه می کنند، نسبت به خلع سلاح و تعقیب و مجازات آنها اقدام فوری کنند. این اقدام سبب خواهد شد، تا توطئه وسیعی که علیه سپاه پاسداران در دست انجام است خنثی شود.

زندگیاد انقلاب ضد امریالیستی و مردمی ایران بر رهبری امام خمینی!

مرگ بر امریالیسم آمریکا، دشمن اصلی ما!

مرکز حزب کمونیست اتحاد شوروی، که عالیترین ارگان رهبری کشور است، بر گزیده شدند که ۳۲ تن بیش از کنگره پیشین است. از این تعداد ۳۵ تن زن هستند. ۳۲ تن از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شدند.

دویست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ۳۵ زن، ۳۲ کارگر، ۱۴ کشاورز به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند

با پایان گرفتن کار کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، انتخاب اعضای کمیته مرکزی جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی برای ۴ سال آینده نیز پایان رسید. در این انتخابات، ۳۱۹ تن به عضویت کمیته

مرکز حزب کمونیست اتحاد شوروی، که عالیترین ارگان رهبری کشور است، بر گزیده شدند که ۳۲ تن بیش از کنگره پیشین است. از این تعداد ۳۵ تن زن هستند. ۳۲ تن از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شدند.

با پایان گرفتن کار کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، انتخاب اعضای کمیته مرکزی جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی برای ۴ سال آینده نیز پایان رسید. در این انتخابات، ۳۱۹ تن به عضویت کمیته

در عملیات نیروی...

بقیه از صفحه ۱

را هدف آتش توپخانه و سلاح های سنگین خود قرار دادند که در نتیجه ۶ نفر از برادران آبابانی شهید و ۲۸ تن مجروح شدند. در جبهه های هوا و سوسنگرد رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اجرای آتش شدید توپخانه و خمپاره انداز بر روی مواضع نیروهای ارتش متجاوز عراق موفق شدند که سه تانک، دو خودرو، یک تانکر سوخت، یک لودر و حدود ۱۸ سترگ اجتماعی و انفرادی دشمن را منهدم و بیش از ۵۰ نفر از نیروهای آنها را به هلاکت رسانده و یا مجروح کنند.

همچنین هوایماهای متجاوز ارتش عراق که قصد حمله به آبادان را داشتند بر اثر آتش پدافند هوایی مجبور به فرار شدند. در بامداد دیروز (پنجشنبه) جانبازان نیروی دریایی ارتش

تقویم سال نو
۱۳۶۰ منتشر شد



تمرین معاصره کامل نظامی ایران و تسخیر تنگه هرمز در آمریکا

روزنامه واشنگتن ستاره خبر میدهد که مقدمات این تمرینات توسط فرماندهی آمادگی جنگی تدارک دیده شده بود، که مسئول حمل ۳۲۵ هزار نظامی آمریکائی به خاور نزدیک در صورت بروز بحران در این منطقه است. در جریان عملیات یادشده، تمرینات مربوط به محاصره کامل نظامی ایران و تسخیر تنگه هرمز نیز به اجرا درآمد.

شوخی نیست...!

فریدون تنکابنی

همزبانی!

پیش از انقلاب:

ملت: مرگ بر آمریکا و انگلیس!

لریکا و انگلیس: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر کودتاچیان ۲۸ مرداد!

کودتاچی: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر شاه!

شاه: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر ساواکی!

ساواکی: مرگ بر توده ای!

پس از انقلاب:

ملت: مرگ بر آمریکا!

امریکا: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر کازرت!

کازرت: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر ریگان!

ریگان: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر اسرائیل!

اسرائیل: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر صدام!

صدام: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر بختیار!

بختیار: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر اویسی!

اویسی: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر قاسملو!

قاسملو: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر سرمایه دار!

سرمایه دار: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر فئودال!

فئودال: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر محتکر!

محتکر: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر مستکبر!

مستکبر: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر لبرال!

لبرال: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر رنجبر!

رنجبر: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر فداکار!

فداکار: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر مبارک!

مبارک: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

ملت: مرگ بر پیرونده!

پیرونده: مرگ بر توده ای!

سازمان ملل متحد علیه رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی

اکثر اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضرورت وضع مجازاتهای جامع علیه آفریقای جنوبی را میتوان موثرترین وسیله ایراد فشار بر این رژیم جنایتکار، بمنظور قطع اشغال نامی یا از سوی نیروهای مسلح این کشور، خاطر نشان کردند. نمایندگان اتحاد شوروی، جمهوری دموکراتیک آلمان، فنلاند، سنگال، بنگلادش، امارات متحده عربی، درنستت پریروز مجمع عمومی، از این اقدام، که در منشور سازمان ملل متحد منظور شده، پشتیبانی کردند.